

رونق سینما و نمایش خانگی در شرایط جنگی



تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۶/۳۱
Publish Date : 2026/9/22



عنوان: رونق سینما و نمایش خانگی در شرایط جنگی
تهیه و تدوین کنندگان (Authors): حامد سهرابی، محمدامین قاسمی پیربلوطی
واژه‌های کلیدی: سینما، نمایش خانگی، شرایط جنگی، تاب‌آوری
ناشر: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21889>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11955.html

Publisher : Islamic Parliament Research Center of Iran

عنوان: رونق سینما و نمایش خانگی در شرایط جنگی

نوع گزارش: طرح / لایحه ☐، نظارتی ☐، راهبردی ☒، پیش نویس قانونی ☐

نام دفتر: مطالعات فرهنگی و آموزش (گروه فرهنگ عمومی، هنر و صنایع خلاق)

مدیر مطالعه: رضا مستمع

ناظر علمی: موسی بیات

ناظران علمی خارج از مرکز: سعید رجبی فروتن (دبیر جامعه تشکل های رسانه های تصویری ایران)،

ابوالفضل عابدی، مصطفی اسدزاده (عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات)

اظهار نظر کننده داخل مرکز: سید علی محسنیان، مرتضی قاسم زاده عراقی (گروه رسانه، ارتباطات

جمعی و فضای مجازی)

اظهار نظر کنندگان خارج از مرکز: محسن محسنی نسب (کارگردان، تهیه کننده و کارشناس

سینما)، سید محمود افسریان (مدیر نظارت بر تولید بنیاد سینمایی فارابی)، رامتین شهبازی (عضو

هیئت علمی دانشگاه بین المللی سوره)، علی اکبر گرد کاظمی (کارشناس سینما)، هادی فیروزمندی

(معاون پخش و جریان سازی مؤسسه بهمن سبز)، مهناز مظاهری (کارشناس سینما)

گرافیک و صفحه آرایی: سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی: سیده مرضیه موسوی راد

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۵/۲/۲۲



فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. پیشینه.....	۱۰
۲-۱. سوابق مطالعاتی.....	۱۰
۲-۲. سوابق تقنینی به همراه آسیب شناسی.....	۱۰
۳. وضعیت سینما در شرایط جنگی: رکود تقاضا و تهدید زیر ساخت های فیزیکی هنرهای تصویری.....	۱۲
۴. بوم شناسی نمایش خانگی در دوره بحران: پایداری نسبی مصرف و چالش های اقتصاد سکوها.....	۱۳
۵. چارچوب سیاست گذاری در شرایط بحران: معماری سه سطحی مداخله برای تاب آوری هنرهای تصویری.....	۱۴
۵-۱. سطح اول (کوتاه مدت): مدیریت بحران و مهار فروپاشی زیر ساخت ها.....	۱۴
۵-۲. سطح دوم (میان مدت): ارتقای تاب آوری اقتصادی و تنوع بخشی به بازار.....	۱۴
۵-۳. سطح سوم (بلند مدت): بازطراحی نظام حکمرانی و گذار به تنظیم گری تسهیلگر.....	۱۵
۶. بسته راهکارهای پیشنهادی سیاستی، تنظیمی و عملیاتی.....	۱۶
۶-۱. راهکارهای محتوایی.....	۱۶
۶-۲. راهکارهای حمایتی و اقتصادی.....	۱۸
۶-۳. راهکارهای زیرساختی و عرضه.....	۲۱
۶-۴. محور نهادی و تنظیم گری؛ لزوم انعطاف پذیری «نظام نامه اکران» در شرایط اضطرار و بحران.....	۲۶
منابع و مآخذ.....	۳۰

فهرست جداول

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی.....	۱۰
جدول ۲. تحلیل پیشینه تقنینی.....	۱۱
جدول ۳. مقایسه تطبیقی فروش سینمای ایران در بازه اکران نوروزی سال های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵.....	۱۲
جدول ۴. پیشنهاد های اصلاحی و الحاقی برای نظام نامه اکران سینما ناظر به شرایط جنگ و بحران.....	۲۷

رونق سینما و نمایش خانگی در شرایط جنگی

چکیده



در شرایط بروز بحران‌های ملی از جمله جنگ، تولیدات هنرهای تصویری (سینما و شبکه نمایش خانگی) که می‌توانند به‌عنوان یکی از ارکان حفظ انسجام و ارتقای تاب‌آوری جامعه عمل کنند، با چالش‌های بنیادین مواجه می‌شوند. بررسی وضعیت موجود و آمارهای فروش گیشه در دوران اوج‌گیری تنش‌های اخیر نشان می‌دهد که سینمای ایران ریزش شدید مخاطبان و درآمدهای اقتصادی را تجربه می‌کند که به معنای تهدید جدی زنجیره تأمین آن است. این گزارش با هدف طراحی یک ساختار تاب‌آور و چابک در شرایط بحرانی، بسته‌ای سیاستی، در چهار محور به‌منظور رونق سینما و نمایش خانگی در شرایط جنگی ارائه می‌دهد. ذیل **محور محتوایی**، توسعه «گونه‌های (ژانر) ترکیبی» و ساخت «خرده‌روایت‌های مردمی» پیشنهاد شده است. در **محور حمایتی و اقتصادی**، استقرار بسته‌های جبران خسارت زیرساختی، تأسیس و تنظیم‌گری سکوه‌ای تخصصی «تأمین مالی جمعی» و همچنین بازآفرینی الگوی مدیریت تولید و توزیع به‌منظور احیای تولید فیلم فاخر و ارزشمند و اصلاح نظام دستمزدها مورد تأکید قرار گرفته است. **محور زیرساختی و عرضه** نیز، اجرای «طرح اکران رویداده‌محور» به‌منظور احیای کارکرد اجتماعی سالن‌های سینما، توسعه زیرساخت‌های تولید و عرضه «پویانمایی» و همچنین گسترش جغرافیای اکران و توسعه فضاهای نمایشی جایگزین را پیگیری می‌کند. در نهایت، از آنجاکه گلوگاه اصلی تحقق این سیاست‌ها مرحله اکران است، در **محور نهادی و تنظیم‌گری**، پیشنهادهای الحاقی و اصلاحی مشخصی را برای «نظام‌نامه اکران سینما» ارائه می‌کند. ایجاد مسیر سبز برای آثار واکنش سریع، رسمیت‌بخشی به اکران ترکیبی و تأسیس صندوق تضمین اکران، از مهم‌ترین مفاد این بسته است تا کارکرد فرهنگی سینما در شرایط جنگی تضمین شود.



بیان / شرح مسئله

هنرهای تصویری از جمله سینما و شبکه نمایش خانگی، تنها یک ابزار سرگرمی یا فعالیت اقتصادی صرف نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین ارکان حفظ انسجام و ارتقای تاب‌آوری جامعه در مواجهه با بحران‌های ملی و شوک‌های امنیتی به شمار می‌روند. افزون بر این، بررسی رفتار مصرف‌کنندگان در ایران نشان می‌دهد که اقتصاد سینما به شدت در برابر تکانه‌های سیاسی و امنیتی آسیب‌پذیر است. در شرایط بروز تنش‌های منطقه‌ای و هشدارهای امنیتی، احساس ناامنی فیزیکی و فشارهای روانی منجر به خروج فوری سینما از سبد مصرفی خانوار می‌شود. این افت شدید مخاطب، درآمدهای گیشه را کاهش داده و با ایجاد یک دومینوی مخرب، موجب ورشکستگی سالن‌داران، توقف تولید، بیکاری سرمایه‌های انسانی و فروپاشی زنجیره تأمین در هنرهای تصویری می‌شود.

در چنین شرایطی که حاکمیت برای مدیریت افکار عمومی به کارکردهای امیدبخش و روایت‌ساز سینما نیاز دارد، ساختار مدیریت سینمای کشور فاقد انعطاف‌پذیری لازم برای واکنش سریع است. قوانین، آیین‌نامه‌ها و به‌ویژه «نظام‌نامه اکران سینما» (مصوب سال ۱۴۰۳) اساساً بر مبنای شرایط ثبات و بازار عادی طراحی شده‌اند. اجرای دقیق این قوانین غیرمنعطف در زمان بحران، مانند پایین کشیدن فیلم‌ها به دلیل افت مقطعی کف فروش، حفظ انحصار اکران فیزیکی، ممنوعیت اکران هم‌زمان در سکوهایی بر خط و اعمال محدودیت‌های گونه‌های تولیدات تصویری، سینما را از نهادی حمایت‌گر به ساختاری منفعل تبدیل کرده است. در غیاب یک نظام تنظیم‌گری مختص شرایط اضطرار، یارانه‌های دولتی به هدر رفته و حاکمیت اثربخش‌ترین ابزارهای خود را برای تزریق نشاط از دست می‌دهد.

نقطه‌نظرات / یافته‌های کلیدی

بررسی روند مدیریت فرهنگی در زمان بحران، به احصای نقاط ضعف ساختاری و یافته‌های کلیدی زیر منجر شده است:

نخست؛ ساختار تولید محتوا در سینمای ایران به شدت دیوان‌سالارانه و کند است. فرایندهای طولانی دریافت مجوزها، مانع از شکل‌گیری «تولیدات واکنش سریع» می‌شود. سینما در ساختار فعلی نمی‌تواند به رویدادهای ملی در لحظه پاسخ دهد و غالباً زمانی محتوای متناسب به روی پرده می‌رسد که اثرگذاری روانی خود را از دست داده است. فقدان پیوسته‌های روان‌شناختی در تولیدات سینمایی مرتبط با بحران نیز از دیگر نقاط ضعف جدی محسوب می‌شود.

دوم؛ زیرساخت‌های نمایش، عمدتاً به فضاهای سرپوشیده وابسته است. غفلت از توسعه فضاهای نمایشی جایگزین مانند سینماماشین و اکران‌های سیار باعث شده در زمان بروز خطرات، پناهگاه فرهنگی امنی وجود نداشته باشد. همچنین، عدم توجه راهبردی به توسعه زیرساخت‌های پویانمایی به عنوان قالبی چابک، مصون از خطرات میدانی تولید و دارای بیشترین اثرگذاری بر قشر کودک و نوجوان، ضعف جدی معماری تولید در سینمای ایران است.

سوم؛ «نظام‌نامه اکران» به عنوان گلوگاه نهایی، فاقد تبصره‌های اضطراری است. شورای صنفی نمایش با رویکرد عمدتاً تجاری، توانایی راهبری عملیات روانی در شرایط جنگی را ندارد. علاوه بر این، حفظ انحصار پرده سینما و جلوگیری از هم‌افزایی اقتصادی سالن‌داران با سکوهایی نمایش درخواستی، به تقابل فرسایشی این دو بستر انجامیده است. این رویکرد انحصاری باعث شده تا در شرایطی که مردم به سکوهایی خانگی پناه می‌برند، سینما نتواند از این ظرفیت برای حفظ اقتصاد خود بهره‌برد و مانع از شکل‌گیری شبکه توزیع قدرتمند شده است. این انجماد مقرراتی، بزرگ‌ترین سد راه تاب‌آوری ارزیابی می‌شود.



پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

استقرار ساختار تاب‌آور نیازمند اجرای بسته سیاستی یکپارچه است. نقطه ثقل این بسته، اعمال اصلاحات فوری در «نظام‌نامه اکران سینما» توسط سازمان امور سینمایی جهت ایجاد ظرفیتی تاب‌آور در عرصه هنرهای تصویری است:

یکم، اصلاح ساختار سیاستی بحران: ضروری است با اصلاح ماده (۲۴) نظام‌نامه، مرجع تشخیص بحران از شورای صنفی نمایش به نهادهای بالادستی تحت عنوان «کمیته ویژه مدیریت بحران فرهنگی» ارتقا یابد. ترکیب شورای راهبردی اکران نیز باید با حضور متخصصان علوم رفتاری و جامعه‌شناسی و حوزوی تقویت شود تا تصمیمات در حوزه نمایش آثار، دارای پیوست دقیق روان‌شناختی و معرفتی باشند.

دوم، تغییر ریل یارانه‌ای: سازمان سینمایی مکلف است راهبرد یارانه‌ای را اصلاح کند. راه‌اندازی «کیف پول فرهنگی خانوار» در بستر سامانه سمفا^۱ برای تخصیص هوشمند یارانه بلیت به مردم و توقف اجرای تبصره‌های تنبیهی مانند «ابطال سانس به دلیل افت فروش» از اقدامات حیاتی است. دولت باید با پرداخت یارانه حفظ زیرساخت، زیان ناشی از صندلی‌های خالی را در روزهای بحرانی جبران کند. افزون بر این، تأسیس «صندوق تضمین اکران بحران» برای پوشش خسارت تهیه‌کنندگان جسور، یک ضرورت است.

سوم، ایجاد مسیر سبز اکران: در وضعیت اضطرار ملی، هرگونه سهمیه‌بندی ژانری در آیین‌نامه‌ها باید تعدیل شود و ظرفیت ناوگان نمایش به آثار خانواده‌محور، درام‌های اجتماعی مقاومتی و پویانمایی‌ها جهت تزیق امید اختصاص یابد. کمیته بحران باید اختیار قانونی جهت اعطای «حواله نمایش فوری» را داشته باشد تا آثار واکنش سریع و تولیدات راهبردی، خارج از صف‌های طولانی شورای صنفی، در سانس‌های طلایی سرگروه‌های سینمایی جای‌گذاری شوند.

چهارم، رسمیت بخشی به اکران ترکیبی: سازمان امور سینمایی موظف است از طریق اصلاح و الحاق مواد لازم به نظام‌نامه اکران فضاهای نمایشی جایگزین مانند سینماهای شهری را به‌عنوان زنجیره رسمی اکران متصل به سمفا به رسمیت بشناسد و تسهیلات قانونی لازم را برای آن‌ها فراهم آورد. کلیدی‌ترین گام تقنینی، لغو قطعی انحصار اکران فیزیکی و عملیاتی‌سازی «الگوی اکران ترکیبی» است. با ایجاد پیوند حقوقی و اقتصادی میان سینما و سکوها نمایش خانگی و تعریف «بلیت‌های ترکیبی»، آثار سینمایی باید بتوانند به‌طور هم‌زمان بر روی پرده نقره‌ای و در سکوها عرضه شوند تا ضریب نفوذ پیام به بالاترین سطح ممکن رسیده و بازگشت سرمایه تضمین شود.

۱. مقدمه

عرصه هنرهای نمایشی و تصویری (به‌ویژه سینما و نمایش خانگی)، فراتر از ابزاری برای سرگرمی و گذران اوقات فراغت، یکی از تأثیرگذارترین بسترهای فرهنگ‌ساز جوامع است. عرصه‌ای که در انتقال مفاهیم هویتی، تعمیق ارزش‌ها و روایت‌های جمعی، بازنمایی واقعیت‌های اجتماعی، شکل‌دهی به سبک زندگی و ادراک عمومی و نیز تقویت گفت‌وگوها و چشم‌اندازهای جامعه در سطوح ملی و بین‌المللی، نقش پررنگی ایفا می‌کند. از این رو است که آثار سینمایی و محصولات نمایش خانگی در بسیاری از کشورها به‌عنوان بخشی بنیادین از زیرساخت‌های فرهنگی و رسانه‌ای مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته و برای پیشرفت و پایداری آن‌ها برنامه‌ریزی می‌شود.

در امتداد همین جایگاه راهبردی، اهمیت هنرهای تصویری در شرایط بحرانی و جنگی بیش‌ازپیش نمایان می‌شود. در وضعیتی که جامعه زیر بار فشارهای چندجانبه اقتصادی و التهابات روانی ناشی از جنگ قرار می‌گیرد، استمرار تولید و عرضه محصولات نمایشی (از قبیل فیلم، سریال، مستند و برنامه‌های گفت‌وگومحور) از سطح یک فعالیت صرفاً هنری یا تجاری فراتر رفته و به‌مثابه ظرفیت «قدرت نرم» کشور برای حفظ آرامش عمومی، تزریق امید و ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در جبهه داخلی عمل می‌کند. از این رو، آمادگی نهاد فرهنگ برای مواجهه با بحران، هم‌تراز با ملاحظات نظامی و امنیتی ضرورت می‌یابد و طراحی سازوکارهایی که بقا و پویایی چرخه سینما و نمایش خانگی را در شرایط اضطرار تضمین کند، به یک الزام گریزناپذیر در سیاستگذاری یکپارچه و آرامش افکار عمومی تبدیل می‌شود.

در عین حال، بررسی وضعیت این حوزه نشان می‌دهد که فعالان سینما و نمایش خانگی پیش از بروز چنین شرایطی نیز با چالش‌های مختلفی در زمینه سیاستگذاری، مجوزها، سرمایه‌گذاری، حمایت‌های صنفی و نظام توزیع و اکران مواجه بوده‌اند. بروز شرایط جنگی می‌تواند این چالش‌ها را تشدید کرده یا ابعاد جدیدی به آن‌ها بیفزاید. از این رو، تحلیل وضعیت این حوزه در شرایط خاص مستلزم این است که هم‌موانع و محدودیت‌های ناشی از وضعیت جنگی مورد توجه قرار گیرد و هم برخی مسائل ساختاری و مزمن این حوزه در نظر گرفته شود تا سیاست‌های پیشنهادی از واقع‌بینی بیشتری برخوردار باشند.

بر این اساس، گزارش حاضر با تمرکز بر وضعیت سینما و نمایش خانگی در شرایط جنگی، در پی این است ضمن بررسی آثار و پیامدهای چنین شرایطی بر چرخه تولید، توزیع و مصرف محصولات فرهنگی، برخی از مهم‌ترین چالش‌ها و ظرفیت‌های موجود در این حوزه را مورد توجه قرار دهد. در این چارچوب تلاش شده است با مرور وضعیت موجود و تحلیل سیاستی مسائل پیش‌رو، مجموعه‌ای از پیشنهادها و راهکارهای قابل طرح در سطح سیاستگذاری ارائه شود؛ پیشنهادهایی که بتوانند به حفظ پویایی سینما و نمایش خانگی و تقویت نقش آن در افزایش امید اجتماعی و تاب‌آوری عمومی جامعه کمک کنند.



۲. پیشینه



۲-۱. سوابق مطالعاتی

دفتر مطالعات فرهنگی و آموزش مرکز پژوهش‌های مجلس، پژوهش‌های متعددی پیرامون ابعاد گوناگون سیاستگذاری فیلم و سینما انجام داده است، مواردی که ارتباط بیشتری با مسئله گزارش حاضر دارند، در ادامه مرور می‌شوند.

جدول ۱. تحلیل پیشینه پژوهشی

ردیف	عنوان گزارش	شماره مسلسل	تاریخ انتشار	یافته‌ها و دلالت‌های کلیدی
۱	چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در سال ۱۳۹۸ (صنعت سینما)	۱۶۶۳۳	۱۳۹۸/۰۷/۰۹	یافته: وابستگی شدید تولیدات به بودجه‌های دولتی و فقدان بازار واقعی مبتنی بر تقاضا، از مهم‌ترین عوامل شکنندگی سینمای ایران است. دلالت: این شکنندگی در دوران جنگ که اعتبارات دولتی منقبض می‌شود، آسیب‌پذیری سینما را دوچندان کرده و لزوم تنوع‌بخشی به اقتصاد تصویر و تحریک تقاضای مردمی را اثبات می‌کند.
۲	راهکارهای بازآفرینی جشنواره فیلم فجر (ویرایش دوم)	۱۸۰۴۶-۱	۱۴۰۰/۱۱/۱۱	یافته: رویدادهای سینمایی برای اثرگذاری، نیازمند بازآفرینی کارکردهای ملی، هویتی و انسجام‌بخش خود هستند. دلالت: در شرایط بحران، می‌توان از ظرفیت اکران‌های رویدادمحور و جشنواره‌ای برای تقویت هم‌بستگی ملی، ایجاد تجربه جمعی و تزریق نشاط در کالبد جامعه بهره برد.
۳	واکاوی مسئله تغییر کاربری سالن‌های نمایش فیلم	۱۸۸۳۳	۱۴۰۱/۱۲/۱۶	یافته: انحلال سینماها به نفع کاربری‌های تجاری، یک تهدید جدی برای زیرساخت‌های فرهنگی شهرها محسوب می‌شود. دلالت: با افت شدید مخاطب در زمان جنگ، خطر ورشکستگی و تغییر کاربری سالن‌ها تشدید می‌شود؛ مسئله‌ای که ضرورت مداخلات فوری دولت برای حفظ کالبد فیزیکی سینماها را توجیه می‌کند.

مرور پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که هر چند مطالعات متعددی به جنبه‌های گوناگون سیاستگذاری سینما پرداخته‌اند (مانند ارزیابی واگذاری ساختار صنفی، ممیزی، اکران خارجی، سینمای سیاسی، شورای عالی سینما، مجوزها و تعریف فیلم فاخر)، اما تنها سه گزارش مذکور در جدول بالا، بیشترین ارتباط مستقیم را با موضوع «رونق سینما در شرایط جنگی» داشته‌اند. پژوهش‌های دیگر، گرچه در ترسیم عارضه‌های ساختاری سینمای ایران (دیوان سالاری، اتکای اقتصادی، شکنندگی زیرساخت) راهگشا بوده‌اند، اما فاصله بیشتری با راهکارهای عملیاتی در بستر بحران دارند. وقوع شرایط جنگی، این آسیب‌های مزمن را تشدید کرده و بقای هنر و سلامت روانی جامعه را تهدید می‌سازد. از این رو، گزارش حاضر با عبور از رویکرد «سیاستگذاری در شرایط ثبات»، بر بستر یافته‌های بنیادین مرتبط با بحران، الگویی عملیاتی برای «مدیریت تاب‌آوری» ارائه می‌دهد که بر مداخله‌های فوری، چابک‌سازی نظام تنظیم‌گری و خلق هم‌افزایی اقتصادی میان سینمای فیزیکی و سکوی نمایش خانگی متمرکز است.

۲-۲. سوابق تقنینی به همراه آسیب‌شناسی

در حوزه سینما و نمایش خانگی، طی دهه‌های گذشته قوانین و مقررات متعددی در زمینه‌های مالکیت فکری، تولید، نظارت، اکران و زیرساخت‌های نمایش تصویب شده است. باین حال، جدول زیر مهم‌ترین سوابق تقنینی مرتبط با این موضوع را به صورت خلاصه مرور می‌کند.

جدول ۲. تحلیل پیشینه تقنینی

ردیف	حوزه سیاستی	عنوان مصوبه	مرجع تصویب	تاریخ تصویب	نکات برجسته، ضعف و قوت و پیامدهای اجرا
۱	زیرساخت نمایش	قانون اخذ دو درصد از کل فروش بلیت سینماهای کشور	مجلس شورای اسلامی	۱۳۶۵/۱/۱۹	این قانون با تخصیص بخشی از درآمدهای گیشه به حساب دولت، منایعی برای تأمین اجتماعی و حمایت از فعالان سینما فراهم می‌کند. چنین سازوکاری نوعی چرخه مالی درون بخشی ایجاد کرده و به پایداری نسبی اقتصاد سینما کمک می‌کند.
۲	اکران و توزیع	نظام‌نامه اکران سینمای ایران	رئیس سازمان امور سینمایی و سمعی بصری	۱۴۰۳/۲/۱۷	این نظام‌نامه با ایجاد سامانه «سمفا»، شفافیت مالی و ثبت داده‌های فروش را افزایش داده و امکان توزیع دقیق‌تر حقوق ذی‌نفعان را فراهم می‌کند. با این حال، برخی محدودیت‌های ساختاری در چرخه اکران همچنان انعطاف‌پذیری بازار را کاهش می‌دهد.

مرور تحلیلی قوانین و مقررات حاکم بر زنجیره ارزش هنرهای تصویری نشان می‌دهد که «ترم‌افزار حقوقی» سینما و نمایش خانگی در ایران، عمدتاً برای دوران «ثبات و آرامش» طراحی شده و فاقد انعطاف‌پذیری لازم برای مواجهه با تکانه‌های امنیتی و اقتصادی است. هر چند قوانینی چون «قانون حمایت حقوق مؤلفان» (۱۳۴۸) و «قانون نحوه مجازات اشخاص متخلف در امور سمعی و بصری» (۱۳۸۶) به صیانت از حقوق مالکیت فکری پرداخته‌اند و مقرراتی نظیر آیین‌نامه‌های ممیزی و نظارت بر محتوا (از ۱۳۶۱ تا ۱۴۰۲)، آیین‌نامه صدور پروانه فیلم‌سازی (۱۳۶۸ و ۱۴۰۰)، سیاست‌های اکران خارجی (۱۳۸۴)، آیین‌نامه سالن‌های نمایش (۱۳۹۹) و مصوبه ساماندهی صوت و تصویر فراگیر (۱۴۰۲) به تنظیم‌گری، تولید، ممیزی، زیرساخت و توزیع پرداخته‌اند، اما تنها «قانون اخذ دو درصد از فروش بلیت» (۱۳۶۵) با ایجاد سازوکار مالی درون بخشی و «نظام‌نامه اکران سینمای ایران» (۱۴۰۳) با شفافیت بخشی در چرخه توزیع، بیشترین ارتباط مستقیم را با مفهوم «رونق اقتصادی سینما» و «پایداری آن در شرایط بحرانی» داشته‌اند. تعدد مراجع تصمیم‌گیر، رویه‌های زمان‌بر ممیزی و قواعد تنبیهی ناظر بر اکران، در شرایط اضطرار ملی می‌توانند به ضد کارکرد خود تبدیل شده و به جای تنظیم‌گری، تضعیف اقتصاد فرهنگ و هنر را در پی داشته باشند. بنابراین، ضرورت دارد دولت پیش از هرگونه مداخله فرایندی یا مالی، با تدوین یک «الحاقیه ویژه شرایط بحران»، موانع قانونی دست‌وپاگیر را به‌طور هوشمندانه تعلیق کرده و بستر حقوقی چابکی برای توزیع یارانه‌ها، تسریع مجوزها و محافظت توأمان از زیرساخت‌های فیزیکی (سالن‌ها) و رقومی (سکوها) فراهم آورد.

۳. وضعیت سینما در شرایط جنگی: ر کود تقاضا و تهدید زیر ساخت‌های فیزیکی هنرهای تصویری

سینمای ایران در دوره «جنگ رمضان» (جنگ تحمیلی سوم) با یکی از پرچالش‌ترین مقاطع حیات اقتصادی خود مواجه شده است. بروز تنش‌های نظامی (از نهم اسفندماه ۱۴۰۴ تا فروردین‌ماه ۱۴۰۵) و تلاقی آن با اکران نوروزی، به تعطیلی موقت بیش از نیمی از سالن‌ها و کاهش ۶۰ درصدی نوبت (سانس)‌های نمایش انجامید [۱]. در این مقطع، با وجود افزایش صرفاً ۵۰ درصدی میانگین قیمت بلیت، به دلیل تغییر اولویت‌های سبد خانوار و نیز شوک روانی ناشی از جنگ، موجب افت کم سابقه تقاضا و انقباض شدید درآمدهای گیشه شد [۲]. جدول زیر، تصویر روشنی از عمق این رکود و تفاوت معنادار عملکرد اقتصاد سینما در دو شرایط «ثبات» و «بحران» ارائه می‌دهد:

جدول ۳. مقایسه تطبیقی فروش سینمای ایران در بازه اکران نوروزی سال‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵ [۳]

شاخص	اکران نوروزی ۱۴۰۴	اکران نوروزی ۱۴۰۵	درصد تغییرات
مجموع بلیت‌های فروخته‌شده	~ ۸,۸۶۴,۰۰۰ قطعه	۱,۱۲۸,۴۰۰ قطعه	-۸۷.۲٪ (کاهش شدید تقاضا)
درآمد کل گیشه	~ ۷۱۵ میلیارد تومان	~ ۱۳۱.۴ میلیارد تومان	-۸۱.۶٪ (انقباض درآمدهای)
میانگین قیمت اسمی بلیت	۱۰۰,۰۰۰ تومان	۱۵۰,۰۰۰ تومان	+۵۰٪ (تعدیل تورمی)

با وجود این رکود عمیق، پایش بازار در هفته‌ها و ماه‌های پس از شوک اولیه، نشانه‌هایی از «تاب‌آوری فرهنگی» را بروز می‌دهد. ثبت فروش بیش از ۳۳ میلیارد تومانی با جذب حدود ۲۴۵ هزار مخاطب در هفته پایانی اردیبهشت‌ماه [۴]، اثبات می‌کند که با بازگشت آرامش نسبی، تقاضای فرهنگی به سرعت قابلیت احیا دارد. حضور ده‌ها هزار نفری مخاطبان در روزهای هنوز ملتهب، بیانگر این است که سینما در بحران فراتر از یک ابزار سرگرمی، به عنوان محملی برای تجربه جمعی، تخلیه هیجانی و کاهش فشارهای روانی عمل کرده و در حفظ روحیه عمومی نقشی راهبردی ایفا می‌کند [۵]. در کنار افت گیشه، نگران‌کننده‌ترین پیامد این شرایط، تهدید جدی «زیرساخت‌های فیزیکی» هنرهای تصویری است. آسیب فیزیکی به برخی از سالن‌های سینمایی، توأم با افت درآمدها و افزایش هزینه‌های نگهداری، بخش خصوصی را ناچار به استفاده از سرمایه‌های شخصی برای بقا کرده است [۶]. در چنین وضعیتی، ناتوانی در تأمین هزینه‌های جاری، خطر تغییر کاربری سالن‌ها به فضاهای تجاری یا خدماتی را به شدت افزایش داده است.

از سوی دیگر، سالن سینما تنها یک محل نمایش فیلم نیست، بلکه بخشی از زیرساخت فرهنگی و اجتماعی شهر محسوب می‌شود. ضمن اینکه حضور پردیس‌های سینمایی در بافت شهری می‌تواند به شکل‌گیری خوشه‌های اقتصادی پیرامونی، رونق کسب و کارهای محلی و افزایش سرزندگی فضاهای عمومی کمک کند. بنابراین، افول سینما تنها یک مسئله فرهنگی نیست، بلکه پیامدهایی در حوزه اقتصاد شهری و کیفیت زندگی شهری نیز به همراه دارد.

در کنار چالش‌های زیرساختی و انقباض تقاضا، پشتیبانی رسانه‌ای نقش تعیین‌کننده در تداوم حیات اقتصاد سینما در زمان بحران ایفا می‌کند. رسانه ملی به عنوان گسترده‌ترین بازوی ترویجی فرهنگ، ظرفیت بالایی در «مدیریت ادراک عمومی» و «کاهش خطر روانی» ناشی از شرایط اضطرار دارد. کمبود پخش برنامه تخصصی و تحلیلی سینما در این بازه، منجر به شکل‌گیری یک خلأ ارتباطی میان «اثر هنری» و «مخاطب بالقوه» شد. این وضعیت که با شرایط عدم قطعیت در شرایط بحران هم‌سو شده بود، فرصت بازسازی سریع تقاضا و استفاده از ظرفیت سینما برای تقویت روحیه جمعی را نیز محدود ساخت.

۴. بوم‌شناسی نمایش خانگی در دوره بحران: پایداری نسبی مصرف و چالش‌های اقتصاد سکوها

زیست‌بوم نمایش خانگی در مقابل رکود عمیق در سالن‌های نمایش فیلم، الگویی از «پایداری نسبی» را در شرایط بحران تجربه می‌کند. برای درک دقیق این زیست‌بوم و پرهیز از خطای تحلیلی در اقتصاد رسانه، ضروری است میان سه مؤلفه متمایز «محتوا» (مجموعه فیلم‌ها و سریال‌های تولیدشده)، «سکوی عرضه» (زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سکوهای ویدئویی در خواستی و «خدمت نمایش» (فرایند تماشای برخط و خانگی) تفکیک قائل شد. تحلیل رفتار مصرف‌کننده در شرایط بحران‌های امنیتی نشان می‌دهد که تقاضا برای مصرف فرهنگی در محیط امن خانه به شدت افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، در شرایطی که حضور در فضاهای عمومی با تردید همراه است، مزیت سکوها در ارائه خدمت نمایش برخط و غیروابسته به حضور فیزیکی، ضریب نفوذ این رسانه را در سبد خانوار ارتقا می‌دهد. باین حال، پایداری تقاضا در بخش «خدمت نمایش»، لزوماً به معنای سودآوری اقتصاد «محتوا» و «سکو» نیست و بررسی وضعیت این بخش در مقطع موردنظر، نمایانگر نوعی «تناقض درآمدی» است. از یک سو، افزایش تعداد کاربران به رشد درآمد مستقیم «سکوها» از محل فروش اشتراک اینترنتی می‌انجامد، اما از سوی دیگر، رکود اقتصادی در زمان جنگ و کاهش فعالیت‌های تجاری، درآمدهای تبلیغاتی این سکوها را با افت قابل توجهی روبه‌رو می‌سازد. بنا بر اظهارات فعالان این عرصه، درآمد تبلیغاتی برخی سکوها در ماه‌های ابتدایی بحران تا یک سوم کاهش یافته است؛ به گونه‌ای که افزایش فروش اشتراک تنها توانسته کاهش درآمد تبلیغات را جبران کند و وضعیت مالی بسیاری از سکوها عملاً در حالت «سربه‌سر» باقی مانده است. این تراز شکننده، به‌طور مستقیم اقتصاد «محتوا» را تهدید می‌کند؛ به نحوی که تولید محتوای نمایشی (نظیر یک قسمت از سریال) مستلزم هزینه‌های کلان و فزاینده‌ای (تا حدود ۲۰ میلیارد تومان) است که درآمدهای محدود حاصل از اشتراک در سکوها، به‌تنهایی پاسخ‌گوی استمرار چرخه تولید آن نیست [۶].

افزون بر چالش‌های مالی سکوها، «نقض گسترده حقوق مالکیت فکری» تهدیدی حیاتی است که مستقیماً بر پیکره اقتصاد «محتوا» وارد می‌شود. گزارش‌ها نشان می‌دهد بسیاری از آثار بلافاصله پس از انتشار رسمی روی سکوها، به‌صورت غیرمجاز در شبکه‌های ماهواره‌ای یا کانال‌های غیرقانونی پیام‌رسان (مانند تلگرام) منتشر می‌شوند. این چرخه معیوب که نشان‌دهنده شکل‌گیری نوعی «اقتصاد غیرقانونی محتوا» است، بازگشت سرمایه تولیدکنندگان را به شدت مختل می‌سازد [۶].

باوجود این چالش‌ها، نمایش خانگی در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین بسترهای تولید و توزیع محتوای نمایشی در ایران تبدیل شده است. کوچ گسترده هنرمندان و کارگردانان مطرح به سمت نمایش خانگی، این سکوها را به کانون اصلی تولید سریال‌های پر مخاطب (با نقشی مشابه تلویزیون در دهه‌های گذشته) تغییر داده است. حفظ این ظرفیت در دوره بحران، نیازمند مداخله و حمایت هوشمندانه دولت و حاکمیت است تا اقتصاد محتوای رقومی در برابر تکانه‌های توأمان «جنگ» و «سرقت محتوا» فرو نریزد.

افزون بر چالش‌های زیرساختی و مالی، نباید از پیوند «اقتصاد» و «محتوا» در زیست‌بوم هنرهای تصویری غافل شد. در شرایط بحران و جنگ، پایداری اقتصادی سکوها و بازگشت مخاطب به سالن‌های سینما، صرفاً با تزریق یارانه یا رفع موانع توزیع محقق نمی‌شود؛ بلکه وابستگی مستقیمی به «کیفیت و جهت‌گیری محتوایی» آثار دارد. مخاطبی که تحت فشارهای روانی و اضطراب‌های امنیتی قرار دارد، سبد مصرفی خود را به سمت محتوایی هدایت می‌کند که یا کارکرد «تسکین‌بخش و امیدآفرین» داشته باشد و یا «حس هم‌بستگی و تاب‌آوری ملی» را در او تقویت کند. از این رو، فقدان تنوع گونه‌ها (ژانرها)، افت کیفیت هنری آثار و بی‌توجهی به نیازهای عاطفی و شناختی جامعه در لحظات ملتهب، ریزش شدید تقاضا را در پی خواهد داشت. در واقع، در اقتصاد هنر، «محتوای متناسب با شرایط روان‌شناختی و اجتماعی جامعه»، خود به‌عنوان اصلی‌ترین پشیران تقاضا و ضامن بقای اقتصادی سینما و شبکه نمایش خانگی عمل می‌کند و هرگونه سیاستگذاری اقتصادی در این عرصه، در صورت غفلت از وجوه محتوایی، نافر جام خواهد ماند.

۵. چارچوب سیاست‌گذاری در شرایط بحران: معماری سه‌سطحی مداخله برای تاب‌آوری هنرهای تصویری

بحران‌های امنیتی و شرایط جنگی، فراتر از تکانه‌های اقتصادی، زیست‌بوم فرهنگی کشور را با یک «شوک روانی و رفتاری» مواجه می‌سازند. این شوک، تقاضا برای مصرف فرهنگی جمعی (نظیر حضور در سالن‌های سینما) را به شدت کاهش داده و با آغاز مرحله «سازگاری اجتماعی»، توجه مخاطبان را به فضاهای امن‌تر و سکوهایی نمایش خانگی سوق می‌دهد. پاسخ به این تغییر رفتاری، نمی‌تواند محدود به مداخلات مقطعی یا مسکن‌های مالی کوتاه‌مدت باشد؛ بلکه نیازمند یک چارچوب سیاستی هوشمند و عملیاتی است که در سه افق زمانی درهم‌تنیده طراحی شده باشد.

در این چارچوب، سیاست‌گذاری فرهنگی نباید صرفاً واکنشی انفعالی به بحران تلقی شود، بلکه باید به‌عنوان یک منظر کلان حکمرانی برای حفظ انسجام اجتماعی، تأمین سلامت روانی جامعه و تقویت اعتماد به نفس ملی عمل کند. این معماری سه‌سطحی به شرح زیر صورت‌بندی می‌شود:

۵-۱. سطح اول (کوتاه‌مدت): مدیریت بحران و مهار فروپاشی زیرساخت‌ها

در زمان بروز بحران، اولویت حیاتی حاکمیت، جلوگیری از توقف زنجیره تولید و ممانعت از ورشکستگی زیرساخت‌های فیزیکی است. در این سطح مقتضی است:

■ **راهبرد حمایت جبرانی و تحریک تقاضا:** دولت از طریق تخصیص بسته‌های حمایتی اضطراری به زیرساخت‌های آسیب‌پذیر سینمایی، مداخله فوری کند. این حمایت نباید صرفاً به تولیدکننده محدود شود، بلکه باید با انتقال یارانه‌ها به سمت مصرف‌کننده (مانند ارائه تخفیف‌های هدفمند و کیف پول فرهنگی)، شوک افت تقاضا را مهار کند.

■ **راهبرد چابک‌سازی مقررات و استقرار «نظام ارزیابی پیشینی واکنش سریع»:** اصطکاک‌های مقرراتی و موانع اداری در زمان بحران باید به‌طور هوشمندانه کاهش یابند، اما این چابک‌سازی مطلقاً نباید به معنای رهاسازی نظارت و واگذاری آن به سکوها (نظارت پسینی) باشد. با توجه به حساسیت افکار عمومی در شرایط ملتهب، عبور احتمالی سکوها از خطوط قرمز و سپس اقدام حاکمیت به برخورد سلبی، لغو مجوز یا توقیف اثر پخش شده، هزینه‌های اجتماعی سنگین و جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت. از این رو، مقتضی است به‌منظور تسریع در عرضه آثار واکنش سریع، سرگرم‌کننده و امیدبخش در شبکه نمایش خانگی، یک «مسیر ارزیابی فوری» در نهاد تنظیم‌گر ایجاد شود. در این سازوکار، به‌جای حذف ممیزی، فرایند زمان‌بر صدور مجوزها از طریق استقرار «کارگروه‌های ویژه و تمام‌وقت اضطراری» در نهاد ناظر، به حداقل زمان ممکن (بررسی خارج از نوبت) تقلیل می‌یابد. بدین ترتیب، ضمن صیانت قاطع از موازین حاکمیتی و پیشگیری از انتشار محتوای آسیب‌زا، سرعت تغذیه فرهنگی جامعه در زمان بحران نیز تضمین می‌شود.

۵-۲. سطح دوم (میان‌مدت): ارتقای تاب‌آوری اقتصادی و تنوع‌بخشی به بازار

پس از مهار شوک اولیه، سیاست‌ها باید به سمت ایجاد پایداری در جریان‌های درآمدی و انطباق آن با شرایط پساشوک هدایت شوند. در سطح دوم این چارچوب سیاستی، پیشنهاد می‌شود:

■ **راهبرد توسعه فضاهای چندمنظوره:** کارکرد سالن‌های سینما از فضاهای انحصاری نمایش فیلم به مجتمع‌های چندمنظوره تغییر یابد. این فضاها با تنوع‌بخشی به منابع درآمدی خود (نظیر پخش رویدادهای ملی، مسابقات ورزشی و اجرای «اکران‌های ترکیبی» به معنای نمایش هم‌زمان فیزیکی در سالن و عرضه در سکوها بر خط) می‌توانند تاب‌آوری اقتصادی خود را افزایش دهند. بدین ترتیب، سینما به یک «کانون هم‌بستگی اجتماعی» تبدیل می‌شود؛ پناهگاهی محله‌محور که با شکل‌دهی به تجربه جمعی تماشا در دل بحران، انزوای و هراس ناشی

از جنگ را کاهش داده و همدلی و مقاومت عمومی را باز تولید می‌کند.

■ **راهبرد صیانت و تثبیت اقتصاد سکوها:** به‌طور ساختار یافته و ضربتی با شبکه‌های توزیع غیر قانونی محتوا جهت حفظ حقوق مالکیت فکری فعالان این حوزه، مقابله شود. هم‌زمان، تقویت اقتصاد سکویی از طریق توسعه مدل‌های درآمدی پایدار (نظیر تبلیغات رقومی هدفمند) و پیوند زدن ظرفیت‌های صنایع فرهنگی و خلاق دیگر با شبکه نمایش خانگی ضرورت دارد. بدین صورت که سکوها از طریق سرمایه‌گذاری در تولید پویانمایی و بازی مبتنی بر فیلم‌ها و سریال‌های پرمخاطب (توسعه زنجیره ارزش و بازار پردازی)، درآمدهای خود را تنوع بخشند. همچنین، برای کاهش مخاطرات اقتصادی تولید در شرایط بی‌ثبات، تأسیس «صندوق‌های تضمین سرمایه‌گذاری و اکران در بحران» ضروری است تا خسارت تهیه‌کنندگانی که آثار خود را در روزهای اضطرار عرضه می‌کنند، جبران شود (ساختار و مأموریت این صندوق در بخش اصلاح نظام‌نامه اکران، ذیل ماده (۲۸) پیشنهاد شده است).

۳-۵. سطح سوم (بلندمدت): باز طراحی نظام حکمرانی و گذار به تنظیم‌گری تسهیلگر

هدف این سطح، تغییر رویکرد بنیادین سیاست‌گذاری برای ارتقای ساختاری توان دفاعی هنرهای تصویری در برابر بحران‌های آتی است. در سطح بلندمدت، لازم است:

■ **راهبرد یکپارچگی زیر ساختی (توسعه پردیس‌های فرهنگی به‌جای مراکز تجاری):** توسعه سینماها باید از ساخت سالن‌های مستقل (انزوای کالبدی) خارج شده و در گره‌های اصلی شهری ادغام شود. با این حال، برای جلوگیری از «کالایی شدن هنر» و تبدیل سینما به ابزار جذب مشتری برای مراکز خرید،^۱ این ادغام نباید با غلبه رویکرد بازاری صورت گیرد. در سطح عملیاتی، مدیریت شهری باید مشوق‌های مالیاتی و عوارضی خود را منحصرأ به طرح‌هایی تخصیص دهد که سینما را با «کاربری‌های مکمل فرهنگی و اجتماعی» (نظیر کتاب‌فروشی‌های جامع، گالری‌های هنری، فضاهای کار اشتراکی و مراکز نوآوری) هم‌جوار و ترکیب می‌کنند. این معماری فضایی موجب می‌شود تا در شرایط بحران، بقای سینما از طریق درآمدهای متقاطع این زیست‌بوم فرهنگ - خدماتی تضمین شود، بی‌آنکه هویت و اصالت هنر در خدمت و سیطره مطلق منطق تجاری قرار گیرد.

■ **راهبرد ارتقای نظام تنظیم‌گری به‌الگوی تسهیلگر و مشارکتی:** سیاست‌گذاری حوزه تصویر (اعم از سینما و سکوها خانگی) از رویکرد تصدی‌گرایانه و نظارت متمرکز، به سمت الگوی «تنظیم‌گری مشارکتی و پیش‌بینی‌پذیر» ارتقا یابد. در این معماری جدید، سیاست‌گذاری فرهنگی با تأکید بر تقویت بنیه «اقتصاد درون‌زای هنر» و بهره‌گیری از ظرفیت‌های حرفه‌ای بخش خصوصی، زیست‌بومی پایدار و خوداتکا خلق می‌کند. منظور از اقتصاد درون‌زا در این عرصه، رهایی از وابستگی مطلق به فروش فیزیکی بلیت یا بارانه‌های دولتی و ایجاد جریان‌های درآمدی مستقل از طریق «تجاری‌سازی حقوق مالکیت فکری»، «بازار پردازی»^۲ و تولید محصولات جانبی» و «توسعه مدل‌های نوین اشتراکی و تبلیغاتی» است. این بلوغ ساختاری موجب می‌شود تا در زمان بروز اضطرار، به‌جای تحمیل بار مالی سنگین به دولت برای جبران خسارت‌ها، شبکه تولید و توزیع تصویر با تکیه بر تنوع درآمدهای درونی خود حفظ شده و فعالان به‌عنوان بازوی قدرت نرم جمهوری اسلامی در مدیریت افکار عمومی ایفای نقش کند.

تحقق عملیاتی این معماری سه‌سطحی و گذار موفق از مرحله «مدیریت تکانه‌های بحران» به «تاب‌آوری پایدار»، مستلزم ترجمه این راهبردهای کلان به مجموعه‌ای از مداخلات دقیق تقنینی و اجرایی است. بر همین اساس، در بخش آتی، یک بسته راهبردی و عملیاتی جامع در چهار محور کلیدی «محتوایی»، «حمایتی و اقتصادی»، «زیرساختی و عرضه» و «تهاد و تنظیم‌گری» ارائه می‌شود تا نقشه راهی شفاف و نظام‌مند برای اقدام فوری سیاست‌گذاران و نهادهای متولی فراهم آید.

1. Mall

2. Merchandising



۶. بسته راهکارهای پیشنهادی سیاستی، تنظیمی و عملیاتی



در این بخش، راهبردهای کلان شناسایی شده در قالب بسته‌ای جامع از الزامات و اقدامات سیاستی، تنظیمی و عملیاتی در چهار محور کلیدی صورت‌بندی شده‌اند. در همین راستا در تبیین منطق حاکم بر مداخلات فوری و کوتاه‌مدت این بسته، باید تأکید کرد که رویکرد اتخاذ شده، صرفاً واکنشی انفعالی به التهابات مقطعی طی شده نیست؛ بلکه با در نظر گرفتن تحولات پرشتاب امنیتی منطقه و ضرورت آمادگی برای سناریوهای محتمل نظامی و جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) در آینده، این راهکارها به مثابه یک «سازوکار پیش‌دستانه و آماده به کار در پدافند فرهنگی» نیز عمل می‌کنند. تجهیز پیشاپیش نهادهای دولتی و حاکمیتی به چنین سازوکار چابک و واکنش سریعی، کمک می‌کند که نهاد فرهنگ و هنر در مواجهه با تکانه‌های غیرمترقبه آتی، وارد آرایش ایجابی و فعالانه در جهت حفظ تاب‌آوری ملی و مدیریت منسجم افکار عمومی شود. در ادامه، راهکارهای پیشنهادی در قالب محورهای مذکور ارائه می‌شوند:

۶-۱. راهکارهای محتوایی

اثرگذاری هنرهای تصویری در شرایط جنگ و بحران، در گرو برقراری ارتباط مؤثر با افکار عمومی و نسل جدید است. الگوهای روایی رایج در سینمای ارزشی که دهه‌ها بر بازسازی حماسه‌های نظامی و تمرکز بر فرماندهان استوار بوده‌اند، اکنون نیازمند یک بسط رویکردی به سمت روایت‌های انسانی، اجتماعی و روزمره از پدیده مقاومت هستند. این مسیر جدید، با تمرکز بر خرده‌روایت‌های مردمی و خروج از قالب‌های تکراری رایج، مفهوم «قهرمانی» را از یک امر دست‌نیافتنی به کنشی ملموس در بطن جامعه تبدیل کرده و ظرفیت‌های جدیدی را برای بازنمایی حافظه جمعی و ملی فعال می‌کند. راهکارهای این تغییر به شرح زیر صورت‌بندی می‌شوند:

الف) توسعه «گونه‌های (ژانر) ترکیبی» و ساخت «خرده‌روایت‌های مردمی» به منظور بسط مفهوم ایثار جمعی

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** در شرایط بحران و جنگ، تاب‌آوری پایدار نه صرفاً در خطوط مقدم، بلکه در بطن جامعه و توسط آحاد مردم رقم می‌خورد. علاوه بر این، بحران‌های ملی در دل خود واجد ظرفیت‌های دراماتیک چندوجهی و پیچیده‌ای هستند که تمرکز انحصاری بر روایت‌های کلان نظامی و محدود شدن به «گونه‌های جنگی» در تولیدات تصویری، نه تنها ابعاد انسانی و پیچیده این حوادث را تقلیل می‌دهد، بلکه با ایجاد فاصله‌ای شناختی، طیف وسیعی از مخاطبان را از پیام مقاومت محروم می‌سازد. برای نفوذ گفتمان تاب‌آوری در تمامی سلیق جامعه، مفهوم «قهرمانی» باید از یک امر استثنایی، به کنشی ملموس در زیست روزمره تبدیل شود. این مهم، تنها زمانی محقق می‌شود که با توسعه گونه‌های تولیدات تصویری و عبور از فضای صرفاً جنگی، اقشار گوناگون مردم تصویر ایستادگی خود را بر پرده سینما مشاهده کنند.

■ **افق زمانی و سطح اثرگذاری (بازه مداخله):** کوتاه‌مدت تا میان‌مدت (تغییر در سیاست‌های پذیرش، جریان‌سازی فرهنگی در مرحله پیش تولید و اعطای مجوزها) و اثربخشی بلندمدت (تنوع‌بخشی به سبد مصرف فرهنگی، نهادینه‌سازی یک جریان سینمایی مردم‌پایه و جذب حداکثری مخاطبان).

■ **الگوی محتوایی مطلوب:** تلفیق هوشمندانه درون‌مایه‌های دفاع ملی و تاب‌آوری با دیگر گونه‌های پرمخاطب؛ این الگو شامل توسعه گونه‌هایی نظیر «ملودرام‌های خانوادگی و اجتماعی» (با تمرکز بر پیامدهای شهری بحران و مقاومت در سبک زندگی)، «معماهای جاسوسی - امنیتی» (برای بازنمایی پیچیدگی‌های اطلاعاتی و مقابله بانفوذ) و حتی بهره‌گیری از ظرفیت‌های استعاره‌ای «گونه وحشت و دلهره‌آور»

(به منظور تصویرسازی عمیق از ماهیت مخرب سلاح‌ها، هراس افکنی و وحشیگری متجاوزان) است؛ همچنین درام‌های مطلوب در این رویکرد، درام‌های شخصیت‌محور و واقع‌گرایانه‌ای هستند که کانون تمرکز خود را بر «مردم عادی»، کنشگران اجتماعی، کادر درمان، امدادگران، مبلغان، مهندسان و نیروهای پشتیبانی شهری قرار می‌دهند. در این چارچوب، دایره معنایی «فداکاری» از جان فشانی در میدان نبرد، به عرصه‌های ملموس مردمی و زیست جمعی بسط می‌یابد؛ عرصه‌هایی نظیر هم‌بستگی اجتماعی برای حفظ امنیت محله، گذشت‌های مالی در تلاطم‌های اقتصادی زمان جنگ و نیز حمایت از کیان و آرامش خانواده زیر سایه اضطراب‌های امنیتی، از این جمله هستند. این آثار به شکلی باورپذیر نشان می‌دهند که چگونه انسان‌های معمولی در میانه بحران، به کنش‌های انسانی متعالی دست می‌زنند و علاوه بر عمق بخشی به لایه‌های پنهان روایت، قدرت جذب و درگیری عاطفی طیف متنوع‌تری از مخاطبان را افزایش می‌دهد.

■ **الزامات اجرایی و تنظیم‌گری مشوق‌محور:** نهادهای متولی و تنظیم‌گر باید با اتخاذ رویکردی «تسهیلگر و مشوق‌محور»، نظام ارزیابی و پشتیبانی خود را برای این دسته از آثار راهبردی چابک سازند. این امر مستلزم طراحی یک «مسیر سبز» برای فیلم‌نامه‌های نوآورانه ترکیبی و مبتنی بر خرده‌روایت‌های مردمی است. این آثار باید از مزایایی چون «تسریع خارج از نوبت در صدور پروانه ساخت»، «دریافت ضریب امتیازی و سهمیه حمایتی در نهادهایی چون بنیاد سینمایی فارابی» و «تسهیلات مشوقانه در سکوی نمایش خانگی جهت اختصاص پیشخوان اصلی» برخوردار شوند. افزون بر این، نهادهای متولی اکران می‌توانند با تخصیص یارانه‌های هدفمند برای «اکران‌های بسته‌بندی‌شده» (شامل مجموعه‌ای از فیلم‌های کوتاه و تجربی در گونه‌های متنوع مقاومت)، ذائقه بصری مخاطب را برای پذیرش این فرم‌های ترکیبی پرورش داده و آماده سازند. تأمین مالی این یارانه‌ها باید از طریق «بازتوزیع و تغییر اولویت بودجه‌های اختصاص یافته به برگزاری جشنواره‌های غیرضروری در شرایط بحران» محقق شود تا نیازی به خلق منابع جدید نباشد.

(ب) بسط دادن از «منجی فردی» به بازنمایی «مقاومت شبکه‌ای» و «سامان‌یابی جمعی مردم»

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** در حالی که خرده‌روایت‌ها (راهکار نخست) اغلب بر ایثار فردی شهروندان در مقیاس خرد و خانوادگی تمرکز دارند، این راهکار ناظر به مقیاس کلان «خرد جمعی» و «سامان‌یابی ساختاری جامعه» است. اتکای انحصاری سینمای جنگ به الگوی «منجی استثنایی» (یک فرمانده یا یک قهرمان بلامنازع)، دفاع ملی را به دلاوری‌های شخصی محدود می‌کند. در جنگ‌های ترکیبی نوین، نظام اجتماعی زمانی تاب می‌آورد که آحاد جامعه در قامت یک «شبکه درهم‌تنیده» عمل کنند. هنر تصویر باید نشان دهد که مقاومت، یک ایده صرفاً حاکمیتی نیست، بلکه ریشه در اراده و سامان‌یابی خودجوش و جمعی مردم دارد.

■ **افق زمانی و سطح اثرگذاری (بازه مداخله):** میان مدت (هدایت سرمایه‌ها و پژوهش‌ها در مرحله پیش تولید) تا بلندمدت (تثبیت الگوهای جدید روایت‌پردازی و حماسه‌های ملی جامعه‌محور در حافظه تاریخی مردم و مقابله با جنگ شناختی دشمن).

■ **الگوی محتوایی مطلوب:** تغییر مرکز ثقل درام از یک «فرد منجی» و درام‌های روان‌شناختی یک نفره به یک «موجودیت جمعی درهم‌تنیده» (نظیر یک محله، یک مجتمع مسکونی، یا گروهی از شهروندان تصادفی در گیر بحران). در این الگو، قهرمان داستان دیگر یک شخص واحد نیست، بلکه یک «هویت جمعی» است (مانند مقاومت یکپارچه کارگران یک پالایشگاه بمباران‌شده، شبکه رانندگان ترابری در تأمین زنجیره غذایی، یا تشکل‌های خودجوش زنان و یانوجوانان در پشتیبانی آمادی شهری). این آثار با بهره‌گیری از قالب «مستند-داستانی» و بازآفرینی هنرمندانه از دل تاریخ شفاهی و اسناد متقن، بر تاروپود هم‌بستگی جمعی تمرکز می‌کنند و به جای پررنگ کردن شلیک گلوله‌ها، سازوکار پایداری و مقاومت حیات‌بخش مردم را به تصویر می‌کشند.

■ **الزامات اجرایی و تنظیم‌گری مشوق‌محور:** نهادهای متولی (مانند سازمان امور سینمایی، حوزه هنری و خانه سینما) باید دسترسی نظام‌مند و دوطرفه‌ای میان «مراکز اسناد تاریخی و نهادهای جمع‌آوری تاریخ شفاهی» با «جامعه فیلم‌نامه‌نویسان» ایجاد کنند. نهادهای حاکمیتی و دولتی نیز باید با آزادسازی هدفمند داده‌های مستند از بحران‌های پیشین، موضوعات پژوهشی لازم را برای مؤلفان فراهم آورند. برای ترغیب نهادهای سرمایه‌گذار (مانند بنیاد سینمایی فارابی) به تخصیص مشوق‌های مالی ویژه (نظیر پوشش بخشی از هزینه‌های تحقیق



و توسعه این آثار)، این حمایت‌ها باید در قالب قراردادهای «مشارکت در مالکیت فکری (IP)» و «تسهیم درآمدهای آتی حاصل از بازار پردازی واکران» ساختار بندی شود. با این سازوکار، حمایت از تولید آثار پربازیرگ مبتنی بر هویت جمعی، از یک تکلیف هزینه‌زا، به یک سرمایه‌گذاری فرهنگی دارای توجیه اقتصادی برای نهاد حامی تبدیل می‌شود.

۲-۶. راهکارهای حمایتی و اقتصادی

بحران‌های امنیتی و انقباض منابع دولتی در شرایط جنگ، اقتصاد هنر را به سرعت در معرض آسیب‌های ساختاری قرار می‌دهد. راهبردها در این محور باید از یک سو معطوف به رفع موانع نقدینگی و جبران خسارات فوری باشد و از سوی دیگر، با ایجاد سازوکارهای نوین تأمین مالی، وابستگی هنرهای تصویری به بودجه‌های متزلزل دولتی را کاهش دهد. راهکارهای این محور به شرح زیر صورت بندی می‌شوند:

الف) تدوین «نظام‌نامه مدیریت فرهنگی بحران» و استقرار بسته‌های جبران خسارت زیرساختی:

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** تجربه عملیاتی در بازنگه داشتن سینماهای سراسر کشور در شرایط جنگی و بحران‌های اخیر با هدف حفظ جبهه فرهنگی مردم، اگرچه اقدامی راهبردی در راستای پایداری اجتماعی بود، اما به تحمیل خسارات سنگین مالی (حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیارد تومان) به بدنه خودگردان زیرساخت‌های نمایشی منجر شد. خسارتی که به‌طور مستقیم از فاصله میان «الزام به تأمین هزینه‌های ثابت جاری نظیر مصرف انرژی، دستمزد کارکنان و استهلاک تجهیزات» با «صندلی‌های خالی و افت شدید درآمدهای گیشه در روزهای پراالتهاب» نشئت می‌گرفت. در تداوم این وضعیت، ضرورت مداخله فعال حاکمیت به یک الزام سیاستی تبدیل شده است؛ با این ملاحظه حیاتی که در شرایط انقباضی اقتصاد زمان جنگ، این مداخله نباید به خلق تکالیف بلامحل و تشدید کسری بودجه دولت بینجامد.

■ **بازه زمانی (سطح مداخله):** کوتاه‌مدت (مدیریت تکانه‌های اقتصادی).

■ **اقدام سیاستی:** تدوین و ابلاغ فوری «نظام‌نامه جامع مدیریت فرهنگی در شرایط بحران» که تکالیف نهادهای مربوطه را برای حفظ زیرساخت‌ها شفاف می‌سازد. بسته حمایتی مندرج در این نظام‌نامه، با اتکا به ظرفیت‌های قانونی موجود و پرهیز از ایجاد بار مالی جدید، باید موارد زیر را پوشش دهد:

۱. جبران مستقیم خسارات مالی زیرساختی (هزینه‌های ثابت): پوشش ضرر و زیان سالن‌داران بابت بازنگه داشتن سینماها در روزهای

پراالتهاب. منابع این بخش باید مطلقاً بدون تحمیل بار مالی تورم‌زا به بودجه عمومی، صرفاً از طریق «تغییر اولویت در تخصیص فصل کمک‌های بلاعوض جاری دستگاه‌های فرهنگی» و همچنین بهره‌گیری از «اعتبارات اضطراری موضوع ماده (۱۶) قانون مدیریت بحران کشور» تأمین شود.

۲. پشتیبانی آمادی و تأمین نیازهای فنی: ایجاد مسیر سبز گمرکی برای واردات سریع تجهیزات، قطعات استهلاکی سروورهای نمایش و ملزومات فنی سالن‌های فعال، تا از فرسودگی و فروپاشی کالبدی این زیرساخت‌ها جلوگیری شود.

۳. اعمال معافیت‌های هدفمند و سازوکار تهاتر عوارض شهری: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است با تنظیم لایحه‌ای فوری،

مجوز اعمال بخشودگی یا تخفیف‌های ویژه موقت در محاسبه «مالیات بر عملکرد» و «مالیات بر ارزش افزوده» سینماهای فعال را از مراجع ذیصلاح (مجلس شورای اسلامی، هیئت وزیران یا شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا) اخذ کند. همچنین برای جلوگیری از کاهش منابع درآمدی شهرداری‌ها، تخفیف «عوارض کسب و پیشه و خدمات شهری» از طریق سازوکار «تهاتر عوارض با اختصاص ظرفیت‌های واکران شهری و تبلیغات محیطی مجتمع‌ها به اطلاع‌رسانی‌های فرهنگی شهرداری» جبران و تسویه شود.

۴. اعمال معافیت‌های هدفمند مالیاتی و عوارضی: هماهنگی با سازمان امور مالیاتی و شهرداری‌ها جهت اعمال بخشودگی یا تخفیف‌های

ویژه موقت در محاسبه «مالیات بر عملکرد»، «مالیات بر ارزش افزوده» و «عوارض کسب و پیشه و خدمات شهری» برای مجتمع‌های تجاری و سینماهایی که در شرایط بحران به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

۵. اعطای تسهیلات ارزان قیمت به تهیه‌کنندگان خطرپذیر: به منظور جلوگیری از اختلال در تسهیلات بانکی سایر بخش‌های اقتصادی،

خطوط اعتباری منحصر از محل جدول ۱۲- برنامه هم‌افزایی و ارتقای فعالیت‌ها و تولیدات فرهنگی از محل یک درصد از هزینه‌های شرکت‌های دولتی در سال ۱۴۰۵، ردیف‌های ۱۱۰۳، ۱۱۰۴ و ۱۱۰۵ به ترتیب ناظر به برنامه‌های اجرایی «حمایت از صنعت و تولیدات پویانمایی و بازی‌های رایانه‌ای»، «تولید فیلم سینمایی فاخر و ارزشمند در موضوعات تاریخی، دفاع مقدس، جبهه مقاومت و سبک زندگی ایرانی اسلامی» و «تقویت زیرساخت‌های سینمایی» و نیز تعریف «ردیف اعتباری ویژه شرایط بحران در صندوق اعتباری هنر» تأمین و به عرضه‌کنندگان آثار پرداخت شود. افزون بر این، به جای خلق ردیف بودجه‌ای جدید، از ظرفیت «تغییر اولویت مصارف در منابع داخلی موجود صندوق اعتباری هنر» برای اعطای تسهیلات به عرضه‌کنندگان آثار استفاده شود.

■ **نگاشت نهادی:** «سازمان برنامه و بودجه» مکلف به تأمین منابع جبران خسارت، صرفاً از محل ظرفیت‌های بحران (اعتبارات موضوع ماده (۱۶) قانون مدیریت بحران) است. «سازمان امور سینمایی و سمعی بصری» متولی تدوین نظام‌نامه است. «وزارت امور اقتصادی و دارایی» و «شهرداری‌ها» نیز پس از طی مراحل قانونی و انعقاد توافق‌نامه‌های تهاتر، موظف به اعمال تسهیلات مذکور هستند.

ب) تأسیس و تنظیم‌گری سکوی‌های تخصصی «تأمین مالی جمعی»

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** در شرایط جنگی، با هدایت منابع دولتی به سمت نیازهای نظامی و زیرساختی و کاهش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به دلیل مخاطرات بالای اقتصادی، تولیدات سینمایی با رکود مواجه می‌شوند. در این وضعیت، اتکا به ظرفیت‌های فرهنگی جامعه (نظیر روحیه تعاون، علاقه به هنر نمایش و اعتماد به چهره‌های متعهد به منافع ملی و حرفه‌ای) می‌تواند سرمایه‌های خرد مردمی را به سمت تولیدات فرهنگی هدایت کند. این رویکرد، ضمن کاهش وابستگی هنرهای تصویری به بودجه‌های دولتی، زمینه حفظ نشاط اجتماعی را فراهم می‌کند.

■ **بازه زمانی (سطح مداخله):** میان مدت (تقویت تاب‌آوری).

■ **اقدام سیاستی:** تدوین و ابلاغ دستورالعمل اجرایی تأسیس سکوی‌های تأمین مالی جمعی مختص هنر سینما که در آن دو الگوی مالی به‌طور رسمی پیاده‌سازی شده باشند:

۱. «الگوی پاداش‌محور» برای جلب مشارکت‌های خرد مردمی (با مشوق‌هایی نظیر دعوت به اکران خصوصی و درج نام در تیتراژ اثر).
۲. «الگوی مشارکت در سود و سهام» برای سرمایه‌گذاری‌های کلان. ضمانت اجرایی و رکن حیاتی اعتمادساز در این سکوها، پیاده‌سازی نظام‌مند و دقیق «قانون همه یا هیچ» (الزام به عودت کامل و خودکار سرمایه به مردم در صورت عدم تأمین کامل بودجه هدف‌گذاری شده) است. در گام تکمیلی، ورود نظام‌مند اقتصاد سینما به بازار سرمایه از طریق بهره‌گیری از زیرساخت‌های حقوقی موجود در «فراپورس ایران» محقق می‌شود. با این قید راهبردی که برای جلوگیری از هدایت انحصاری سرمایه‌ها به سمت محدود آثار تجاری، این سازوکار نباید «تک‌فیلم‌محور» باشد. بلکه باید بر مبنای تأسیس و عرضه سهام «صندوق‌های سرمایه‌گذاری طرح‌های سینمایی» یا «صندوق‌های جسورانه» (شامل یک سبد ترکیبی از آثار تجاری، فرهنگی و راهبردی) و یا عرضه سهام «استودیوها و سکوی‌های تولید» پایه‌ریزی شود. این معماری صندوق‌محور باعث می‌شود تا از طریق الزام اساسنامه صندوق‌ها به تخصیص متوازن سبد سرمایه‌گذاری میان گونه‌های مختلف (نظیر کمدی، اجتماعی، تاریخی و کودک)، از انحصار بودجه در یک گونه خاص جلوگیری شده و «تنوع محتوایی» حفظ شود. افزون بر این، با تخصیص سهم مشخصی از سبد سرمایه‌گذاری صندوق به آثاری با محوریت تقویت هم‌بستگی ملی، بازنمایی دستاوردهای دفاعی و تبیین جایگاه راهبردی و منطقه‌ای کشور، هدف «حمایت از سینمای مقاومت» نیز در قالبی عملیاتی محقق می‌شود. استقرار این ساختار یکپارچه، ضمن تحقق اهداف فرهنگی یادشده، خطر سرمایه‌گذاری را سرشکن کرده و امکان نقدشوندگی ایمن سهام در شرایط اضطرار را برای مشارکت‌کنندگان فراهم می‌آورد.

■ **نگاشت نهادی:** برای اجرای این طرح، دولت باید از نقش «تولیدکننده انحصاری» خارج شده و تقسیم کار بین دستگاهی زیر بر مبنای



تفکیک «نظارت مالی» از «نظارت محتوایی» استقرار یابد:

۱. سازمان بورس و اوراق بهادار (نهاد ناظر مالی): متولی انحصاری صدور مجوز برای سکوه‌های تأمین مالی جمعی و تأسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری سینمایی در فرابورس. وظیفه این سازمان صرفاً معطوف به تدوین آیین‌نامه‌های مالی، تعریف جایگاه حقوقی برای «ناظران مالی» جهت رصد تراکنش‌ها، حفظ حقوق سهام‌داران و تضمین اجرای قطعی قانون بازگشت سرمایه است.
۲. سازمان امور سینمایی و سمعی بصری (نهاد سیاست‌گذار و ناظر محتوایی): متولی ارزیابی اولیه طرح‌های متقاضی ورود به بازار سرمایه و بررسی صلاحیت فرهنگی آن‌ها. این سازمان اقدام به صدور «پروانه ساخت مشروط» می‌کند (به این معنا که اجازه آغاز عملیات تولید، صراحتاً منوط به موفقیت طرح در جذب کامل سرمایه از طریق سکوه‌های مجاز سازمان بورس خواهد بود).
۳. خانه سینما و نهادهای صنفی (بازوی اجرایی و تخصصی): متولی استقرار «ناظران فنی» برای بررسی صلاحیت حرفه‌ای تیم‌های تولید و جلوگیری از انحراف بودجه در حین ساخت نسبت به طرح تجاری مصوب. همچنین اصناف موظف‌اند با بهره‌گیری از ظرفیت هنرمندان سرشناس، هدایت پویای مردمی برای جلب سرمایه را بر عهده بگیرند.
۴. کمیته راهبری کلان: کارگروهی مشترک متشکل از نمایندگان تام‌الاختیار سازمان بورس، سازمان سینمایی و خانه سینما، جهت هماهنگی میان‌بخشی، تسریع در صدور مجوزهای دوگانه (مالی و فرهنگی) و نظارت یکپارچه بر حسن اجرای فرایندها.

ج) بازآفرینی الگوی مدیریت تولید و توزیع به منظور احیای تولید «فیلم فاخر و ارزشمند»^۱ و اصلاح نظام دستمزدها

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** ساختار فعلی اکران به دلیل تسلط نگاه صرفاً تجاری بر خلی تهیه‌کنندگان و سینماداران، موجبات حذف آثار فرهنگی، تضعیف تولیدات اصیل و تنزل ذائقه مخاطبان را فراهم آورده است. این عارضه ساختاری سبب شده تا بخش عمده‌ای از بودجه تولید (حدود ۸۰ درصد) صرفاً به جذب معدودی از بازیگران چهره و ستاره اختصاص یابد و سهم مؤلفه‌های فنی، کارگردانی و محل فیلم‌برداری به حداقل ممکن (۲۰ درصد) تقلیل یابد. نتیجه مستقیم این روند، سطحی شدن مضامین و کاهش کیفیت هنری آثار است. از این رو، حمایت از تکثر گونه‌ها (ژانرها) و ارتقای سطح کیفی ذائقه مخاطب عمومی پیش شرط شکستن انحصار ایجاد شده برای بازیگران چهره و بازگرداندن سهم عادلانه سایر عوامل است.

■ بازه زمانی (سطح مداخله): بلندمدت (بازطراحی حکمرانی).

■ **اقدام سیاستی:** احیای الگوی برنامه‌ریزی منسجم و هدایت نظام‌مند نظام توزیع، به طوری که فرایند نمایش آثار پس از ارزیابی‌های کارشناسی، در یک تقویم سالیانه مشخص تنظیم و تضمین شود. این سیاست ایجابی باید با ایجاد محدودیت‌های ساختاری در تخصیص نامتوازن بودجه‌ها، جایگاه تفکر و اصالت مؤلف را تقویت کرده، امنیت سرمایه‌گذاری در سینمای فرهنگی را تأمین نموده و فرایند تخصیص دستمزدها را متعادل سازد.

■ **نگاشت نهادی:** برای گذار از این عارضه تجاری و استقرار یک نظام عادلانه، تقسیم کار دقیق زیر ضروری است:

۱. سازمان امور سینمایی (شورای راهبردی اکران): متولی اصلی طراحی و ابلاغ «تقویم سالیانه اکران تضمین شده» برای فیلم‌های فاخر و ارزشمند؛ به گونه‌ای که ظرفیت نمایش این آثار توسط دولت مشمول حدی از تضمین شده و از اعمال سلیقه حذفی سالن‌داران مصون بماند.
۲. خانه سینما و تشکلهای صنفی (به ویژه صنف تهیه‌کنندگان): تدوین «نظام‌نامه عادلانه بودجه‌بندی و دستمزدها» توسط اصناف، تنها زمانی ضمانت اجرا می‌یابد که با ابزارهای حاکمیتی پیوند بخورد. بدین منظور، دولت سازوکاری را مستقر می‌سازد که بهره‌مندی

۱. استفاده از مفهوم «فیلم فاخر و ارزشمند» در این متن، هم‌راستا با ادبیات رسمی سیاست‌گذاری کشور و صراحت ماده (۷۴) قانون برنامه هفتم پیشرفت است. به منظور پرهیز از تفاسیر سلیقه‌ای، شاخص‌های ارزیابی و تشخیص مصادیق این سینما، دقیقاً مبتنی بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با عنوان «بایسته‌ها و مؤلفه‌های تعریف فیلم فاخر و ارزشمند و معیارهای تشخیص آن» (شماره مسلسل: ۲۱۰۴۹) مدنظر قرار گرفته است.

تهیه‌کنندگان و طرح‌های سینمایی از «خدمات حمایتی دولتی»، «تسهیلات صندوق اعتباری هنر» و «معافیت‌های مالیاتی»، اکیداً مشروط به رعایت سقف دستمزدهای مصوب در این نظام‌نامه صنفی باشد. این اهرم، قدرت چانه‌زنی اصناف را برای شکستن انحصار دستمزدها به شدت افزایش می‌دهد.

۳. نهادهای حمایتی و صندوق‌های اعتباری دولتی و حاکمیتی (نظیر بنیاد سینمایی فارابی): اجرای سیاست «حمایت مشروط» را نه با بخشنامه‌های صرف، بلکه از طریق «الزام تهیه‌کننده به شفاف‌سازی ترازنامه مالی و ثبت شناسه قرارداد عوامل در سامانه یکپارچه سمفا» به عنوان پیش شرط تخصیص یارانه یا وام، تضمین و خودکارسازی کنند.

۳-۶. راهکارهای زیرساختی و عرضه

در شرایط بروز بحران، حفظ و ارتقای زیرساخت‌های فیزیکی، فناوریانه و سرمایه انسانی هنرهای تصویری، به اندازه تولید محتوای غنی، اهمیتی راهبردی دارد. کالبد فیزیکی سینما و سازوکارهای عرضه محصول، صرفاً مجاری توزیع یک کالای تجاری نیستند؛ بلکه بسترهایی بنیادین برای شکل‌گیری تجربه جمعی، حفظ انسجام اجتماعی و انتقال حس امنیت و پویایی به افکار عمومی محسوب می‌شوند. از این رو، سیاستگذاری در این محور باید بر محافظت از زیرساخت‌های موجود، تغییر کاربری‌های خلاقانه برای پاسخ به نیازهای آنی جامعه و همچنین توسعه فضاهای نمایشی جایگزین متمرکز باشد. راهکارهای این محور با هدف پایداری شبکه عرضه و توزیع امید ملی، به شرح زیر صورت‌بندی می‌شوند:

الف) اجرای «طرح اکران رویداد محور» به منظور احیای کارکرد اجتماعی سالن‌های سینما

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** در شرایطی که جامعه نیازمند بازیابی روحیه جمعی و تقویت هم‌بستگی ملی است، سینما باید از کارکرد خود به عنوان یک سالن نمایش صرف فراتر رفته و به یک مرکز تجمع و کانون نشاط ملی بدل شود. رویدادهای بزرگ ملی و بین‌المللی (به ویژه مسابقات ورزشی پر مخاطب) که همواره با شور و هیجانی فراگیر همراه بوده و پیروزی‌ها و حتی حضور تیم‌های ملی و باشگاهی ایران در آن‌ها به مثابه یک عامل قدرتمند برای شادی عمومی عمل کرده است، یک فرصت راهبردی محسوب می‌شود. این رویکرد نه تنها با فروش بلیت به اقتصاد سینما کمک می‌کند، بلکه مهم‌تر از آن، با فراهم آوردن بستری برای تخلیه هیجان و تجربه مشترک احساسات ملی، به تزریق امید و نشاط در جامعه می‌پردازد.

■ **بازه زمانی (سطح مداخله):** کوتاه‌مدت (اقدام ضربتی و واکنش سریع هم‌زمان با رویدادهای ملی، مسابقات ورزشی یا انتشار اخبار راهبردی امیدبخش) تا میان‌مدت (تثبیت رویکرد چندمنظوره‌سازی در اقتصاد فضاهای فرهنگی).

■ **اقدام سیاستی:** در شرایط بحرانی سالن‌های سینما باید پاتوق‌های اصلی برای تماشای جمعی این رویدادها باشد؛ بلکه فراتر از آن، لازم است با برنامه‌ریزی ویژه، امکان اکران‌های عمومی در میادین اصلی شهر و فضاهای باز را نیز فراهم آورد تا این موج شادی، فراگیر باشد.

■ **نگاشت نهادی:** برای تحقق این سیاست، تقسیم کار زیر میان نهادهای دولتی و حاکمیتی پیشنهاد می‌شود:

۱. سازمان امور سینمایی و سمعی‌بصری مکلف شود «دستورالعمل اکران محتوای جایگزین» را جهت رفع موانع پخش محتوای غیرسینمایی (نظیر مسابقات زنده، رویدادهای حماسی و افتخارآفرین) برای سالن‌داران، تدوین و ابلاغ نماید.

ب) توسعه زیرساخت‌های تولید و عرضه «پویانمایی» به مثابه پیشران امیدآفرینی و تحکیم تاب‌آوری خانواده‌ها

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** در شرایط بروز بحران، تمرکز بر نهاد خانواده به عنوان مخاطب اصلی آثار فرهنگی یک ضرورت راهبردی است. پویانمایی‌ها به واسطه قابلیت ماهوی خود در خلق تصاویری رنگی و جذاب از جهان، نقشی بی‌بدیل در امیدآفرینی و ترسیم آینده‌ای روشن بر عهده دارند. این قالب نمایشی با مخاطب قرار دادن قشر آسیب‌پذیر کودک و نوجوان، علاوه بر صیانت روانی از این نسل، زمینه‌ساز مصرف فرهنگی منسجم خانواده‌محور در سالن‌های سینما و سکوی نمایش خانگی می‌شود. علاوه بر کارکردهای روان‌شناختی، پویانمایی



اساساً از محدودیت‌های رایج در تولید فیلم (اعم از موانع آمادی ساخت در زمان بحران و برخی ممیزی‌های معمول) فاصله دارد.

■ **بازه زمانی (سطح مداخله):** کوتاه‌مدت (تولید محتوای واکنش سریع و جریان ساز با استفاده از فناوری‌های نوین) تا میان مدت (سرمایه‌گذاری بر تولیدات سینمایی بلند برای حفظ رونق اقتصاد خانوادگی سینما).

■ **اقدام سیاستی:** تمرکز ویژه و هدایت سرمایه‌ها به سوی تولید آثار پویانمایی (اعم از کوتاه و بلند) با هدف تزریق نشاط و تصویرسازی مثبت از آینده؛ ضرورت راهبردی در این مقطع، ادغام فناوری‌های تولید پویانمایی با ابزارهای نوین هوش مصنوعی است تا ترکیبی مطلوب از «سرعت بالا در تولید» و «کیفیت بصری ممتاز» حاصل شود. این چابکی فناورانه، امکان خلق آثاری با ظرفیت بازنشر گسترده^۱ را فراهم می‌آورد؛ به گونه‌ای که می‌توان محتوای پویانمایی را کاملاً متناسب با اتفاقات میدانی و شرایط بحران تولید کرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن، پیام امیدبخش را به ذهن مخاطبان رساند.

■ **نگاشت نهادی:** برای تحقق جهش در تولید پویانمایی‌های واکنش سریع و سینمایی، تقسیم کار زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. **بنیاد ملی پویانمایی ایران و سازمان امور سینمایی:** استقرار «شورای ارزیابی واکنش سریع پویانمایی» به منظور بررسی خارج از نوبت طرح‌ها، تخصیص اعتبارات حمایتی به استودیوها باید از طریق «تغییر اولویت و هدایت حداقل ۳۰ درصد از بودجه حمایتی تولیدات سینمایی سازمان به سمت پویانمایی در زمان بحران» صورت پذیرد و اعطای این یارانه‌ها در قالب قراردادهای مرحله‌ای و منوط به پیشرفت تولید باشد.

۲. **کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان:** فعال‌سازی شبکه گسترده زیرساختی کانون (مراکز فرهنگی و کتابخانه‌های سیار) به عنوان بازوی توزیع و اکران امن در مناطق کم‌برخوردار. برای جبران هزینه‌های اکران و تجهیز این مراکز، کانون می‌تواند از طریق انعقاد «تفاهم‌نامه خرید خدمات فرهنگی» با سازمان برنامه و بودجه و یا هدایت هدفمند «بودجه مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی بزرگ»، منابع لازم را جذب و عملیاتی نماید.

۳. **معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان ریاست جمهوری:** حمایت از توسعه زیرساخت‌های پردازشی و ابزارهای بومی مبتنی بر هوش مصنوعی در استودیوهای پویانمایی. این اقدام حمایتی باید مشخصاً از طریق «اختصاص خط اعتباری ویژه از محل منابع صندوق نوآوری و شکوفایی» و بهره‌گیری از «تسهیلات تبصره ۱۸» قانون بودجه (اشتغال آفرینی تولیدی و دانش بنیان) در قالب وام‌های ارزان قیمت و واسپاری (لیزینگ) تجهیزات سخت‌افزاری محقق شود.

۴. **سکوه‌های نمایش خانگی:** ترغیب سکوه‌های خصوصی به قرار دادن پویانمایی‌های داخلی در «پیشخوان اصلی» و مشارکت در تأمین مالی تولیدات سریالی، نه از طریق احکام دستوری، بلکه از طریق اعمال «بزارهای انگیزشی و تنظیم‌گرانه» محقق می‌شود. در این الگو، نهاد تنظیم‌گر (ساترا و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) امتیازاتی نظیر «اعطای امتیاز مثبت در رتبه‌بندی کیفی سکوها» و تخصیص سهم بیشتری از «قراردادهای تسهیم درآمد ترافیک اینترنت» (موضوع بند «ث») را منحصراً به سکوهایی ارائه می‌دهد که در تولید و توزیع پویانمایی بومی در زمان بحران مشارکت مالی داشته باشند.

ج) گسترش جغرافیای اکران و توسعه فضاهای نمایشی جایگزین

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** در شرایط جنگی، سالن‌های سرپوشیده و متراکم، نخستین فضاهایی هستند که به دلیل ملاحظات ایمنی با ریزش مخاطب مواجه می‌شوند. با این حال، تجربه‌های موفق همچون راهاندازی محدود «سینما ماشین» (در ایوین^۱ سینما) در دوران کرونا یا نمایش‌های ویژه بر فراز پل طبیعت در طی جنگ رمضان، نشان داد که مخاطب تحت فشار، تشنه تجربه‌های جدید و خروج از فضای مرسوم و سنتی سالن‌های سینماست. این طرح نه تنها به تقویت روحیه ملی و تبدیل فضاهای شهری به پاتوق‌های فرهنگی کمک می‌کند، بلکه با خلق تجربه‌ای منحصر به فرد، قدرت نرم فرهنگی کشور را افزایش داده و ظرفیت‌های جدید اقتصادی برای سینما ایجاد می‌کند.

■ **بازه زمانی (سطح مداخله):** کوتاه‌مدت (ایجاد سریع پناهگاه‌های امن فراغتی در دل بحران) تا بلندمدت (خروج این طرح‌ها از حالت مقطعی و تبدیل آن‌ها به یک اقتصاد پایدار در سینما).

■ **اقدام سیاستی:** توسعه پایدار فضاهای نمایشی جایگزین (نظیر سینما ماشین، سینمای روباز در پارک‌ها و اکران‌های شهری)، نیازمند گذار از رویکردهای مقطعی به استقرار یک «نظام تنظیم‌گری جامع» است. رسمیت یافتن این فضاها به عنوان بخشی از ناوگان رسمی اکران و اتصال آن‌ها به سامانه مدیریت فروش، اکیداً منوط به احراز پیشینی «استانداردهای سه‌گانه» خواهد بود:

۱. **استانداردهای فنی:** تضمین کیفیت تصویر و صدا برای صیانت از ارزش هنری اثر.

۲. **الزامات ایمنی و حفاظتی:** رعایت دستورالعمل‌های پدافند غیرعامل و مدیریت بحران در محیط‌های روباز.

۳. **ضوابط حقوقی و امنیتی:** رعایت حق پخش، ممانعت از قاچاق نسخه فیلم و رعایت حریم عمومی.

تنها پس از احراز این ضوابط و صدور گواهی نامه رسمی توسط مرجع قانونی، این فضاها مجاز به اتصال به سامانه یکپارچه فروش و اکران خواهند بود تا حقوق مادی تهیه‌کنندگان تضمین شود.

■ **نگاشت نهادی:** صنعتی‌سازی این فضاها در سطح کلان شهرها، نیازمند همکاری نهادهای شهری و فرهنگی به شرح زیر است:

۱. **سازمان امور سینمایی (مرجع انحصاری و قانونی):** مکلف است با همکاری نهادهای ذی‌ربط، «نظام‌نامه جامع تأسیس و بهره‌برداری از فضاهای نمایشی جایگزین» را تدوین و ابلاغ نماید. این سازمان تنها مرجع دارای صلاحیت قانونی برای ارزیابی استانداردهای سه‌گانه (فنی، ایمنی و حقوقی) بوده و صدور «مجوز اکران خارج از سالن» و اجازه اتصال به درگاه‌های رسمی بلیت‌فروشی، منحصراً پس از تأیید بازرسان این سازمان صورت می‌پذیرد.

۲. **شهرداری‌ها (به‌ویژه سازمان زیباسازی و معاونت‌های فرهنگی و اجتماعی):** مکلف شوند فضاهای مستعد (نظیر بوستان‌های بزرگ، پارکینگ‌های طبقاتی روباز و دیواره بناهای شاخص) را منطبق با نظام‌نامه ابلاغی سازمان سینمایی برای اکران آماده نمایند. به منظور جبران هزینه‌های تجهیز و ترغیب شهرداری‌ها به اعمال «معافیت‌های عوارضی» برای اکران‌کنندگان، این اقدامات باید در قالب «قراردادهای مشارکت مدنی و تسهیم درآمد (بلیت‌فروشی)» و یا «تهاتر با ظرفیت تبلیغات فرهنگی پیش از اکران» ساماندهی شود تا واجد ارزش افزوده اقتصادی و رسانه‌ای برای مدیریت شهری باشد.

۳. **فرماندهی انتظامی (به‌ویژه پلیس راهور):** مکلف شود پیوست‌های ترافیکی روان‌ساز برای مدیریت ورود و خروج به محوطه‌های سینما ماشین را تأیید کرده و در تأمین امنیت فیزیکی و اخلاقی فضاهای باز شهری (پیوست انتظامی) با نهادهای برگزارکننده همکاری نماید.

د) استقرار «زیرساخت‌های پژوهشی تقاضامحور» و «شوراهای هدایت کیفی» در نهادهای صنفی

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** حفظ حیات و پویایی سینما در شرایط سخت، تنها با تزریق بودجه و صدور دستورالعمل‌های دولتی به



دست نمی‌آید؛ بلکه نیازمند این است که اصناف سینمایی از درون توانمند شوند و ظرفیت‌های کارشناسی خود را ارتقا دهند. با وجود این، در شرایط حاضر نهادهای صنفی، فاصله معناداری با نظام حکمرانی بخش فرهنگ پیدا کرده‌اند. ترمیم این فاصله و ایجاد انگیزه مشارکت برای خانه سینما، مستلزم واگذاری پاره‌ای از امور غیر حاکمیتی به این نهاد است تا اصناف سینمایی از قالب محدود «اتحادیه‌های پیگیر مطالبات معیشتی» خارج شده و به نهادهایی «دانش‌بنیان و بازوی مشورتی در حکمرانی» ارتقا یابند. این ارتقا به معنای نفی نظارت حاکمیت نیست، بلکه ایجاد لایه‌ای از مشارکت فعالانه است تا سیاست‌گذاری‌ها دارای پشتوانه شواهد بنیاد (به‌ویژه در حوزه پژوهش) باشند و استانداردهای حرفه‌ای توسط خود نخبگان صنف نهادینه شود.

■ **بازه زمانی (سطح مداخله):** بلندمدت (تغییر الگوی حکمرانی سینما از «تصدی‌گری دولتی» به «تنظیم‌گری مشارکتی مشروط» و ترمیم فاصله کم‌اعتمادی میان حاکمیت و اصناف و ارتقای بلوغ نهادی آن‌ها).

■ **اقدام سیاستی:** تشکیل «میز سیاست پژوهی و مدیریت دانش» در خانه سینما به مثابه یک هسته اندیشه‌ورز و بازوی مشورتی چابک. مأموریت این میز، تصدی‌گری و انجام مستقیم پژوهش نیست؛ بلکه احصای دقیق نظام مسائل اصناف سینمایی (نظیر آینده‌پژوهی بحران‌ها، ذائقه‌سنجی مخاطبان و اقتصادسنجی سینما)، تبدیل این مسائل به درخواست طرح پژوهشی و برون‌سپاری هدفمند آن‌ها به ظرفیت‌های تخصصی موجود در کشور (از جمله پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی؛ مراکز پژوهشی دانشگاهی و واحدهای پژوهشی بنیاد سینمایی فارابی و سازمان سینمایی) است.

هم‌زمان، استقرار «شوراهای هدایت کیفی» در درون اصناف (به‌ویژه اصناف تهیه‌کنندگان و فیلم‌نامه‌نویسان) جهت استانداردسازی قراردادهای ارتقای غنای تولید و کنترل کیفی درونی است تا پیش از ورود آثار به چرخه ممیزی دولتی، کنترل کیفی درونی و استانداردسازی توسط خود نخبگان متعهد صنف صورت پذیرد.

سازوکار و حدود اختیارات این شوراهای بدین شرح است: شوراهای هدایت کیفی صرفاً وظیفه «کنترل کیفی درونی، ارزیابی ساختار هنری و استانداردسازی حرفه‌ای قراردادهای» را بر عهده دارند. خروجی این شوراهای به مثابه «ارزیابی پیشینی و مشورتی» عمل می‌کند که تأییدیه فنی آن‌ها، تنها شرط ورود اثر به چرخه ممیزی دولتی است. بررسی نهایی انطباق آثار با موازین شرعی، امنیتی و حدود مصرح قانونی، از شمول وظایف این شوراهای کاملاً خارج بوده و منحصرأ در اختیار نهادهای حاکمیتی و دولتی باقی می‌ماند.

■ **نگاشت نهادی:** تحقق این گذار نهادی کلان، نیازمند یک بازتوزیع نقش در نظام حکمرانی فرهنگی به شرح زیر است:

۱. **خانه سینما و تشکلهای صنفی (کانون اصلی):** مقتضی است با پرهیز از ایجاد ساختارهای عریض و طویل و موازی‌کاری پژوهشی، باتکیه بر سرمایه‌های ارزشمند درونی خود نظیر «کانون مدرسان سینما» و «انجمن نویسندگان و منتقدان سینمایی»، از این ظرفیت‌ها به عنوان «شورای علمی ناظر» بر پژوهش‌های سفارش داده‌شده به مراکز پژوهشی معتبر کشور بهره‌برداری نماید. همچنین برگزاری رویدادهای ترویجی نظیر «جایزه پژوهش سال سینمای ایران» توسط این نهاد مدیریت شود. تشکیل «شوراهای درون‌صنفی هدایت کیفی» نیز صرفاً با محوریت تنظیم‌گری استانداردهای حرفه‌ای بازار تولید (و نه ممیزی پیشینی متن) با حضور پیشکسوتان هر صنف پیگیری شود.

۲. **سازمان امور سینمایی (نهاد تنظیم‌گر دولتی):** موظف به طراحی سازوکار دقیق حقوقی و مالی جهت حمایت از رویکرد دانش‌محور نهادهای صنفی است. در این راستا، سازمان سینمایی بخشی از بودجه پژوهشی سالیانه خود را، به شرط تقاضا محور بودن و اعلام نیاز مبتنی بر شواهد از سوی «میز سیاست پژوهی خانه سینما»، در قالب پژوهانه (گرن‌ت‌های پژوهشی) جهت واگذاری به پژوهشگاه‌ها و مراکز پژوهشی ملی یادشده تخصیص می‌دهد. در این سازوکار، تفویض اختیارات، صرفاً در محدوده «مدیریت و راهبری امور پژوهشی، ارزیابی‌های فنی ساختاری و استانداردهای حرفه‌ای» صورت می‌پذیرد و نظارت بر «خطوط قرمز محتوایی و موازین کلان فرهنگی» در انحصار نهاد دولتی باقی می‌ماند.

د) هم‌افزایی راهبردی رسانه ملی و سکوهای نمایش خانگی در تثبیت بازار و صیانت از محتوا

■ **منطق و پشتوانه راهبردی:** برای اثربخشی در مقابله با شبکه‌های غیرقانونی توزیع فیلم، رویکردهای صرفاً سلبی کافی نیست؛ ترغیب مخاطب به مصرف نسخه اصلی مستلزم دسترسی آسان، قیمت‌گذاری متناسب با توان اقتصادی و به کارگیری مشوق‌ها در کنار نظارت و تنظیم‌گری است. به بیان دیگر، برنامه‌ریزی در این حوزه باید «نظارت و تنظیم‌گری» را به‌طور زیست‌بنیان با حمایت اقتصادی همگام سازد تا از طریق اصلاح سازوکارهای عرضه و تقاضا، انگیزه انتخاب نسخه قانونی در مخاطب نهادینه شود. از سوی دیگر، تقابل فرضی میان رسانه ملی (صداوسیما) و سکوهای نمایش خانگی باید در زمان بحران به یک «هم‌افزایی راهبردی» تبدیل شود. در این الگو، صداوسیما از یک‌سو با در اختیار گذاشتن ظرفیت فراگیر تلویزیون برای تبلیغ و معرفی آثار نمایش خانگی، به افزایش دسترسی مخاطبان و تقویت بازار رسمی کمک می‌کند و از سوی دیگر، از طریق خرید حقوق پخش و بازپخش این آثار، ضمن تزیق نقدپسندی به سکوها، آرشو محتوایی خود را غنی می‌سازد. این همکاری برای رسانه ملی امکان دسترسی کم‌هزینه‌تر به محتوای متنوع و حرفه‌ای، کاهش وابستگی به تولیدات اختصاصی و شناخت بهتر الگوهای مصرف رسانه‌ای را فراهم می‌کند و می‌تواند در برنامه‌ریزی تولید و سیاستگذاری محتوایی آن به کار گرفته شود.

همچنین، حضور فعال و ضابطه‌مند نهادهای مسئول در چرخه تولید و توزیع محتوای نمایشی، از طریق سازوکارهای شفاف قراردادی، استانداردهای محتوایی و نظام ارزیابی آثار، امکان اعمال نظارت پیشینی و پسینی را فراهم می‌سازد. حمایت اقتصادی از تولید و عرضه رسمی، از یک‌سو استمرار تولیدات قابل نظارت را تضمین می‌کند و از سوی دیگر، با افزایش کیفیت، اعتبار و دسترسی‌پذیری آثار، جذابیت و سهم بازار شبکه‌های غیرقانونی را کاهش می‌دهد. هنگامی که مخاطب به نسخه اصلی، با کیفیت و قابل اعتماد دسترسی داشته باشد، مقابله با عرضه غیرمجاز از سطح برخورد انتظامی فراتر می‌رود و به سیاستی ایجابی، بازارمحور و مبتنی بر تنظیم رفتار مصرفی تبدیل می‌شود.

■ **اقدامات سیاستی:** تدوین و ابلاغ «دستورالعمل هم‌افزایی نهادی در عرضه محتوا» با تمرکز بر سه محور عملیاتی زیر:

۱. **نهادینه‌سازی مشوق‌های مصرف قانونی:** استمرار و تثبیت سیاست اعطای تسهیلات به کاربران (نظیر اعمال تعرفه اینترنت نیم‌بها (و یا ارزان‌تر)، ترافیک ترجیحی و یا یارانه‌های مقطعی خرید اشتراک) در زمان اضطرار، جهت تغییر رفتار مصرف کننده از دانهود غیرقانونی به سمت تماشای رسمی از سکوها.

۲. **تخصیص ظرفیت تبلیغات تلویزیونی:** بازنگری در سیاست‌های بازرگانی سازمان صداوسیما به‌منظور اختصاص بسته‌های حمایتی و جدول پخش (کنداکتور) تبلیغاتی به تولیدات شبکه نمایش خانگی. این امکان ویژه، منوط به احراز استانداردهای محتوایی ساترا بوده و به‌عنوان یک «ابزار تشویقی قدرتمند» برای همسوسازی تولیدات سکوها با سیاست‌های کلان فرهنگی نظام عمل خواهد کرد. این اقدام برای رسانه ملی نیز واجد منافع راهبردی است؛ چه آنکه بهره‌وری از ظرفیت‌های تبلیغاتی موجود و پر کردن خلأهای جدول پخش، هزینه‌های تبلیغاتی تولیدات اختصاصی را کاهش می‌دهد و از رهگذر معرفی تولیدات نو و متنوع به مخاطب عام، پیوند تلویزیون را با جریان تازه تولید و ذائقه‌های نوپدید تماشاگر مستحکم می‌سازد. رسانه ملی در این تعامل دوسویه همچنین می‌تواند از ظرفیت گسترده و مخاطب‌محور سکوها نمایش خانگی برای تبلیغ و بازنشر تولیدات اختصاصی خود بهره‌گیرد و بدین وسیله، ضمن گسترش دامنه دسترسی به محصولاتش، بر شمار مخاطبان خود نیز بیفزاید.

۳. **بازارپردازی ثانویه و استقرار الگوی تسهیم در آمد در سکوی ملی:** الزام سکوی ملی «تلویزیون» (به‌عنوان بازوی فضای مجازی رسانه ملی) به خرید حق پخش آن دسته از محصولات پیشین سکوها خصوصی که با ضوابط پخش تلویزیونی انطباق دارند. این اقدام، ضمن غنی‌سازی سبد محتوای تلویزیون، نقدپسندی ارزشمندی را به اقتصاد آسیب‌دیده سکوها (پلتفرم‌ها) در شرایط رکود تزیق می‌کند. از نگاه رسانه ملی نیز این تدبیر، تأمین محتوای متنوع و حرفه‌ای را با هزینه‌ای به مراتب کمتر از تولید هم‌زمان ممکن می‌سازد، ظرفیت آرشو و قابلیت بازپخش چندباره را توسعه می‌دهد و با تقویت جذابیت و رقابت‌پذیری تلویزیون در برابر سکوها خصوصی، جایگاه این سکوی ملی را در بازار نمایش بر خط ارتقا می‌بخشد. از سوی دیگر، به‌منظور پرهیز از تحمیل بار مالی جدید و خلق اقتصاد پایدار در زیست‌بوم هنرهای



تصویری، سازوکار عرضه محصولات شبکه نمایش خانگی در سکوی ملی «تلویزیون» نیازمند بازطراحی ساختاری و گذار از رویکرد «خرید حق پخش» به «مشارکت اقتصادی» است. در این الگو، تلویزیون میزبان آثار سکوهایی خصوصی خواهد شد؛ اما نقدینگی مورد نیاز برای حمایت از تولیدکنندگان، به جای پرداخت هزینه اولیه و قطعی، تماماً از طریق محاسبه شفاف و استقرار «الگوی تسهیم درآمد حاصل از ترافیک مصرفی کاربران و درآمدهای تبلیغات حین پخش» صورت می‌پذیرد. این رویکرد، منطبق بر اهداف راهبردی و عملیاتی «ماده ۲ مصوبه طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات (مصوب ۱۳۹۹/۰۶/۲۵ شورای عالی فضای مجازی)» است؛ به طوری که با حذف موانع مالی، ضمن اجرای مستقیم «بند ۲-۳-۴» (تحقق سهم ۷۰ درصدی خدمات محتوایی داخلی از ترافیک مصرفی) و «بند ۲-۳-۱۶» (رشد سالیانه ۴۰ درصدی سهم تبلیغات قانونی)، با غنی‌سازی و توسعه بدون هزینه آرشیو رسانه ملی، بستر لازم برای تحقق «بند ۲-۳-۳» (دستیابی اقتصاد محتوای داخلی به سهم ۱۵ درصدی از اقتصاد رقومی کشور) را نیز فراهم می‌آورد.

■ نگاشت نهادی:

۱. **سازمان صداوسیما و ساترا:** متولی تدوین «آیین‌نامه تخصیص مشوق‌های تبلیغاتی (تیزر) به شبکه نمایش خانگی» و مکلف به آماده‌سازی زیرساخت‌ها و داشبوردهای فنی شفاف برای محاسبه برخط ترافیک می‌باشند. همچنین این سازمان موظف است با تدوین قراردادهای استاندارد، نظام «تسهیم درآمد ترافیک و تبلیغات» میان تلویزیون و صاحبان محتوا را عملیاتی نماید. این تقسیم کار، گامی اجرایی در جهت تحقق الزامات «ماده (۵) (اقدامات کلان و نگاشت نهادی)» مصوبه شبکه ملی اطلاعات به منظور توسعه پایدار بازار محتوای داخلی محسوب می‌شود.

۲. **وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات:** مکلف به ایجاد سازوکار جبرانی برای اپراتورهای ارائه‌دهنده خدمات اینترنت (ISPها) جهت اعمال دقیق و پایدار ترافیک ترجیحی و اینترنت نیم‌بها برای سکوهایی دارای مجوز. به منظور ایجاد انگیزه و جبران عدم النفع اپراتورها، این وزارتخانه موظف است این سیاست را از طریق دو اهرم اقتصادی «کاهش موقت حق السهم دولت از درآمدهای اپراتورها (در سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی)» و الزام به انعقاد قراردادهای «تسهیم درآمد ناشی از افزایش تصاعدی حجم ترافیک مصرفی در زمان بحران میان سکوها و اپراتورها» اجرایی نماید تا بار مالی مضاعفی به این بخش تحمیل نشود.

۴-۶. محور نهادی و تنظیم‌گری؛ لزوم انعطاف‌پذیری «نظام‌نامه اکران» در شرایط اضطراب و بحران

اقتصاد هنر و به طور مشخص حوزه سینما و نمایش خانگی، در مسیر تبدیل ایده به محصول، با گلوگاه‌های ساختاری متعددی نظیر تأمین سرمایه در پیش تولید و موانع اداری در تولید مواجه است؛ اما غایت نهایی تمامی تلاش‌ها، تسهیلگری‌ها، تنظیم‌گری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در محورهای «حمایتی-اقتصادی»، «محتوایی» و «زیرساختی» پیش گفته، در آخرین و حیاتی‌ترین گلوگاه این چرخه یعنی مرحله «اکران و نمایش» متبلور می‌شود. گلوگاه اکران، نقطه تلاقی محصول فرهنگی با مخاطب است. اگر قواعد حاکم بر این بخش، غیر منعطف و صرفاً مختص به دوران ثبات طراحی شده باشند، تمامی سیاست‌های پدافندی و راهکارهای ارائه شده در محورهای قبل، در سد این گلوگاه متوقف شده و خنثی خواهند شد.

در شرایط بحرانی و جنگی، رفتار مصرف‌کننده، سطح درآمد خانوار و نیازهای روانی جامعه به سرعت تغییر می‌کند. در چنین وضعیتی، پافشاری بر قوانین عادی اکران، نه تنها به ورشکستگی زنجیره تأمین می‌انجامد، بلکه کارکرد راهبردی سینما در حفظ انسجام ملی را مختل می‌سازد. از این رو، استقرار یک ساختار تاب‌آور در سینما، مستلزم بازنگری در نرم‌افزار مدیریت این عرصه و اصلاح و الحاق مواد، بندها و تبصره‌های انعطاف‌پذیر مختص شرایط اضطراب و بحران در «نظام‌نامه اکران سینما» [۷] است. در ادامه پیشنهادهای اصلاحی و الحاقی ناظر به متن نظام‌نامه اکران سینما ارائه می‌شوند:

جدول ۴. پیشنهاد‌های اصلاحی و الحاقی برای نظام‌نامه اکران سینما ناظر به شرایط جنگ و بحران

ماده	موضوع کلی	نظر کارشناسی	متن پیشنهادی
(۲)	توسعه فضاهای نمایش جایگزین (سینمای سیار و سینماماشین)	در شرایط جنگی که تجمع در سالن‌های سرپوشیده با مخاطرات همراه است، تعریف مکان‌نمایش باید بسط یافته و حاکمیت برای حفظ دسترسی عمومی، ناوگان نمایش جایگزین را در مناطق امن تجهیز و به رسمیت بشناسد.	تبصره «۱» (الحاقی): در شرایط جنگ و بحران (موضوع ماده (۲۴))، تعریف «سینما» از مکان سرپوشیده فراتر رفته و سازمان امور سینمایی موظف است با تخصیص بودجه‌های حمایتی و همکاری نهاد‌های شهری (شهرداری‌ها)، ناوگان «سینمای سیار» و «سینماماشین» را در مناطق امن راه‌اندازی نماید. این فضاهای جایگزین باید به صورت برخط به سامانه «سمفا» متصل شده و به عنوان بخشی از زنجیره رسمی اکران با ظرفیت ایمن به رسمیت شناخته شوند.
(۱۰)	تعلیق ضوابط تنبیهی «کف فروش»	افت ناگهانی مخاطب در بحران‌های امنیتی اجتناب‌ناپذیر است؛ پایین کشیدن فیلم‌ها صرفاً به دلیل افت کف فروش در این مقطع، به ورشکستگی قطعی سالن‌داران منجر می‌شود و این قاعده باید به طور موقت معلق شود.	تبصره «۶» (الحاقی): در زمان اعلام شرایط بحران و اضطراب، ضوابط تنبیهی مربوط به خاتمه اکران به دلیل افت «کف فروش» متوقف می‌شود. در این شرایط، دولت مکلف است با تخصیص «یارانه جبرانی حفظ زیرساخت»، ضرر ناشی از صندلی‌های خالی را برای سینمادار جبران نماید تا از تعطیلی سینماها جلوگیری شود. منابع مالی اجرای این تبصره، از محل «اعتبارات اضطراری مدیریت بحران» (موضوع ماده (۱۶) قانون مدیریت بحران کشور) و همچنین «تغییر اولویت در تخصیص ردیف‌های حمایتی و کمک‌های بلاعوض سازمان امور سینمایی» تأمین شود.
(۱۱)	اختصاص سانس‌های ویژه به آثار واکنش سریع	اطمینان از دسترسی فوری مخاطب به آثار تولیدشده با هدف ارتقای تاب‌آوری و مقاومت در زمان طلایی اثرگذاری.	تبصره «۱» (الحاقی): در زمان اعلام شرایط اضطراب، سینماهای سرگروه در صورت پذیرش و جای‌گذاری آثار «واکنش سریع و راهبردی» در سانس‌های اصلی (طلایی) خود، از بسته تشویقی شامل «دریافت یارانه جبران مابه‌التفاوت کف فروش (از محل اعتبارات اضطراری سازمان سینمایی)» و «اولویت در تخصیص سانس‌های کم‌دردی در ایام پس از بحران» بهره‌مند خواهند شد. کمیته ویژه مدیریت بحران فرهنگی موظف است این آثار را خارج از نوبت‌بندی‌های مرسوم جهت جای‌گذاری داوطلبانه، به سینماهای سرگروه معرفی نماید.
(۱۳)	لغو محدودیت سهمیه اکران برای آثار نشاط‌آفرین (کم‌دردی و کودک و نوجوان)	ضرورت تزریق نشاط اجتماعی، امیدآفرینی و کاهش فشارهای روانی ناشی از شرایط جنگی در جامعه.	تبصره «۳» (الحاقی): در وضعیت اضطراب و بحران (موضوع ماده (۲۴) این نظام‌نامه)، محدودیت‌های مربوط به سقف نمایش فیلم‌های کم‌دردی، سرگرم‌کننده و کودک و نوجوان به منظور تأمین بهداشت روانی و نشاط اجتماعی به طور کامل لغو می‌شود و ظرفیت بسترهای اکران با اولویت این آثار تنظیم خواهد شد.
(۱۷)	اعطای «حواله» نمایش فوری» به آثار راهبردی	خروج آثار مرتبط با بحران از صف‌های طولانی و نوبت‌بندی‌های عادی شورای منفی برای حفظ کارکرد پدافندی آن‌ها.	اصلاحی: فیلم‌های اکران نوز با اولویت آثار جشنواره فیلم فجر (در شرایط عادی) و همچنین اکران در شرایط فوق‌العاده و بحرانی (ویژه آثار واکنش سریع) توسط کمیته منتخب رئیس سازمان امور سینمایی یا «کمیته ویژه مدیریت بحران فرهنگی» (موضوع ماده (۲۴) این نظام‌نامه) تعیین و با اعطای «حواله نمایش راهبردی و فوری» خارج از نوبت‌بندی‌های مرسوم، به هماهنگی شورای منفی اعلام و در سالن‌های سرگروه جای‌گذاری خواهد شد.
(۱۸)	ایجاد «کیف پول فرهنگی» و بسته‌های شناور اقتصادی	جلوگیری از حذف سینما از سبد خانوار به دلیل فشارهای اقتصادی زمان جنگ و انتقال مستقیم یارانه‌های حمایتی به مصرف‌کننده.	تبصره «۳» (الحاقی): در شرایط بحران، سازمان امور سینمایی مکلف است با راه‌اندازی «کیف پول فرهنگی خانوار» در سامانه یکپارچه سمفا، بخشی از هزینه بلیت را به طور مستقیم به مصرف‌کننده تخصیص دهد. منابع این یارانه باید از محل «تغییر اولویت اعتبارات حمایتی و ترویجی سازمان سینمایی» تأمین شود تا سهم درآمدی سینمادار کاهش نیابد. همچنین، شورای راهبردی اکران موظف به تعریف «بسته‌های شناور و اقتصادی خانواده» (نظیر ارائه بلیت‌های نیم‌بها) است؛ مشروط بر اینکه عدم‌النفع سینماداران از این تخفیف‌ها، از طریق کاهش متناسب سهم مالیاتی یا پرداخت از محل «صندوق تضمین اکران در بحران» (موضوع ماده (۲۸)) جبران شود.



ماده	موضوع کلی	نظر کارشناسی	متن پیشنهادی
(۱۹)	توقف اجرای بند ابطال سانس به دلیل حداقل فروش	ممانعت از تعطیلی گسترده و زنجیره‌ای سالن‌ها به دلیل افت موقت مخاطب در پی هشدارهای امنیتی و حفظ جریان پایدار اکران.	تبصره «۱» (الحاقی): در زمان اعلام شرایط اضطرار (موضوع ماده (۲۴) این نظام‌نامه)، لغو سانس به دلیل نصاب مقرر در این ماده مجاز نیست. سازمان امور سینمایی مکلف است ضرر اقتصادی ناشی از صندلی‌های خالی را از محل اعتبارات و یارانه‌های تخصیصی ویژه بحران به سالن‌داران جبران نماید. منابع مالی این یارانه‌های جبرانی ویژه بحران، باید از محل «اعتبارات اضطراری موضوع ماده (۱۶) قانون مدیریت بحران کشور» و همچنین «تغییر اولویت در تخصیص ردیف‌های بودجه‌ای و کمک‌های بلاعوض سازمان امور سینمایی» تأمین شود.
(۲۱)	مجوز اکران محتوای جایگزین و رویدادهای هم‌بستگی بخش	سینماها در زمان جنگ نباید صرفاً به پخش فیلم محدود باشند؛ بلکه باید با نمایش رویدادهای زنده، به هسته‌های تجمع و هم‌بستگی اجتماعی تبدیل شوند.	تبصره «۲» (الحاقی): در شرایط اضطرار (موضوع ماده (۲۴) این نظام‌نامه)، سینماها مجازند با رعایت موازین و هماهنگی «کمیته ویژه مدیریت بحران فرهنگی»، سالن‌های خود را به اکران محتوای جایگزین از جمله پخش زنده رویدادهای ملی غرورآفرین، اخبار امیدبخش و کنسرت‌های حماسی و ملی اختصاص دهند تا کارکرد آن‌ها به بسترهایی امن برای تقویت روحیه جمعی ارتقا یابد. ^۱
(۲۳)	آزادسازی اکران ترکیبی و بلیت‌های هم‌افزا (فیزیکی- رقومی)	حفظ حقوق مخاطبانی که به الگوهای تماشای خانگی و برخط روی آورده‌اند، با لغو انحصار پرده و پیوندزدن اقتصاد سینما و سکوه‌های برخط برای جبران ریزش مخاطب فیزیکی.	تبصره «۲» (الحاقی): در زمان اعلام شرایط بحران (موضوع ماده (۲۴) این نظام‌نامه)، اجرای تبصره «۱» معلق شده و «الگوی اکران ترکیبی» (نمایش هم‌زمان در سینما و سکوه‌های برخط نمایش خانگی) جهت تضمین بازگشت سرمایه و حفظ ضریب نفوذ اثر، مجاز خواهد بود. ^۲ همچنین به منظور جبران ریزش مخاطب فیزیکی، سامانه‌های فروش بلیت موظف به تعریف «بلیت‌های هم‌افزا» هستند. به این معنا که مخاطب با خرید بلیت فیزیکی سینما، یک کد اشتراک یا تخفیف ویژه برای سامانه‌های نمایش درخواستی (VOD) دریافت کند و بالعکس.
(۲۴)	تبیین حقوقی «بحران» و تأسیس نهاد متولی	ارتقای مرجع تشخیص بحران از یک شورای صنفی به یک کمیته فرابخشی و حاکمیتی با اشراف امنیتی-اجتماعی و تعریف دقیق شاخص‌های اضطرار.	اصلاحی: در شرایط فوق‌العاده و حوادث غیرمترقبه، اختیار تغییر موقت یا تعلیق برخی مواد نظام‌نامه به پیشنهاد «کمیته ویژه مدیریت بحران فرهنگی» (متشکل از رئیس سازمان امور سینمایی، نماینده نهادهای ذریب امنیتی، رئیس شورای راهبردی اکران و نمایندگان ارشد اصناف و سکوه‌های نمایش خانگی) و ابلاغ از سوی رئیس سازمان امور سینمایی است. تبصره «۱» (الحاقی): «شرایط اضطرار و بحران» در این نظام‌نامه، به وضعیتی اطلاق می‌شود که به دلیل بروز تنش‌های نظامی، تهدیدات امنیتی گسترده یا شوک‌های شدید روانی و اقتصادی، چرخه عادی مصرف کالاهای فرهنگی دچار اختلال شود. با اعلام رسمی کمیته مذکور، تبصره‌های الحاقی ویژه بحران در این نظام‌نامه به‌طور خودکار فعال و جایگزین رویه‌های عادی می‌شوند.

۱. شایان ذکر است هرچند برخی اقدامات مقطعی، نظیر پخش زنده مسابقات ورزشی یا رویدادهای ملی در سینماها، با توافق‌های موردی «شورای صنفی نمایش» عملیاتی شده است، اما رویکرد پیشنهادی در این تبصره، ناظر بر تقنین و تثبیت این ظرفیت در قالب «نظام‌نامه اکران» است. هدف از این الحاقیه، بی‌نیازی سیاستگذار از صدور موافقت‌نامه‌های موردی در شرایط اضطرار و تبدیل این امکان به ابزاری نهادینه برای مدیریت فرهنگی بحران است. در این چارچوب، اولویت با قالب‌های جایگزین دارای توجیه محتوایی و اقتصادی بالاتر است. از جمله آن‌ها می‌توان به کنسرت‌ها و اجراهای زنده موسیقی با مضامین ملی، میهنی، هویت‌محور و حماسی اشاره کرد که می‌توانند ضمن حفظ کارکرد اجتماعی سالن‌ها، به تداوم چرخه اقتصادی آنها نیز کمک کنند.

۲. مطابق با ماده (۲۳) و تبصره «۱» «نظام‌نامه اکران»، نمایش هم‌زمان فیلم در سینما و سکوه‌های برخط (VOD) ممنوع بوده و اکران برخط لزوماً پس از پایان اکران فیزیکی میسر است. تبصره پیشنهادی فوق، با هدف انعطاف‌پذیری در شرایط بحران، خواهان رفع این ممنوعیت قانونی برای تضمین بازگشت سرمایه است. این پیشنهاد با التفات به مخاطرات اکران هم‌زمان، از جمله تضعیف گیشه سینما، انتقال بخشی از تقاضا به سکوه‌های برخط و افزایش احتمال نقض حقوق مالکانه آثار، صرفاً به‌صورت اختیاری و محدود به شرایط بحران پیش‌بینی شده است تا تصمیم‌گیری نهایی برعهده تهیه‌کننده و با لحاظ صرفه اقتصادی باشد. مقصود از این الگو، استفاده از سکوه‌های برخط به عنوان مسیری «مکمل» برای حمایت از بقای سینما در شرایط بحرانی و نه جایگزینی دائمی آن، می‌باشد.

ماده	موضوع کلی	نظر کارشناسی	متن پیشنهادی
(۲۷)	بازآرایی ترکیب شورای راهبردی اکران	تصمیم‌گیری اکران در زمان جنگ یک «عملیات روانی» است و نیازمند حضور متخصصان علوم رفتاری و نمایندگان سکوها برای جهت‌تظیم مصرف نمایش است.	الحاق دو بند «۱۲ و ۱۳» به ماده (۲۷): اعضای شورای راهبردی اکران عبارت‌اند از: ... ۱۲-۲۷- نماینده انجمن صنفی شرکت‌های نمایش ویدئوی برخط (در شرایط اضطرار موضوع ماده (۲۴)). ۱۳-۲۷- دو نفر کارشناس ارشد علوم دینی و حوزوی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی بحران (در زمان اعلام شرایط اضطرار موضوع ماده (۲۴)).
(۲۸)	تأسیس «صندوق تضمین اکران در بحران»	کاهش مخاطرات «فیلم‌سوزی» برای تهیه‌کنندگان و حفظ جریان تزریق محتوای تازه به سینماها از طریق پوشش مخاطرات اقتصادی.	الحاق بند «۹» به ماده (۲۸): اهداف و وظایف شورای راهبردی اکران عبارت است: ۹-۲۸- تأسیس «صندوق تضمین اکران در بحران» با مشارکت سرمایه‌گذاران بزرگ نمایش خانگی و سینماداران، جهت جبران خسارت تهیه‌کنندگانی که آثار شاخص خود را در شرایط اضطرار و بحران ملی (موضوع ماده (۲۴)) اکران می‌نمایند. مأموریت، ساختار، شیوه تأمین اعتبار و سازوکار حمایتی این صندوق به شرح زیر است: ● مأموریت: جلوگیری از توقف اکران آثار شاخص و راهبردی در شرایط اضطرار (موضوع ماده (۲۴)) و ترغیب تهیه‌کنندگان به نمایش آثار تازه خود، از طریق پوشش مخاطرات اقتصادی و تضمین بازگشت حداقل سرمایه. ● ساختار و تأمین اعتبار: منابع این صندوق بر پایه مشارکت سه‌جانبه میان «سازمان امور سینمایی (از محل اعتبارات ویژه بحران)»، «سرمایه‌گذاران و سکوها بزرگ نمایش خانگی» و «تشکل‌های صنفی سینماداران» تشکیل و مدیریت می‌شود. ● سازوکار حمایتی: در صورت اکران یک اثر شاخص در روزهای پراشتاب و نرسیدن میزان فروش آن به «کف پیش‌بینی‌شده» به دلیل افت مخاطب ناشی از بحران، این صندوق موظف است مابه‌التفاوت خسارت وارده به تهیه‌کننده را براساس قراردادهای مرسوم مصوب، جبران نماید.
(۳۰ و ۳۳)	تعطیل موانع اکران فیلم خارجی برای حفظ اقتصاد سالن‌ها	در زمان جنگ، افت تولیدات داخلی محتمل است. اکران فیلم‌های روز جهانی (به‌عنوان مسکن اقتصادی) از فروپاشی زیرساخت‌های فیزیکی سینما جلوگیری می‌کند.	تبصره «۱» (الحاقی به ماده (۳۰)): در شرایط اضطرار و بحران (موضوع ماده (۲۴)) این نظام‌نامه، به منظور حفظ حیات اقتصادی سالن‌ها، شرط تناسب پخش فیلم خارجی به داخلی موقتاً تعلیق می‌شود. تبصره «۱» (الحاقی به ماده (۳۳)): در زمان اعلام شرایط اضطرار و بحران، محدودیت‌های مربوط به تعداد سالن و سانس‌های نمایش فیلم خارجی (مشروط بر هم‌سویی مضمونی با ارزش‌های مقاومت و رعایت حقوق مالکیت فکری و نشر موضوع ماده (۳۱)) توسط شورای راهبردی اکران قابل لغو است.
(۳۴) (جدید الحاقی)	رسمیت‌بخشی به «اکران‌های بسته‌بندی‌شده»	غنی‌سازی سبد اکران عمومی، خروج از رویه‌های تکراری سینمای بلند و پاسخ به نیاز مخاطب برای تجربه‌های نوآورانه از طریق فیلم کوتاه.	(۳۴) (الحاقی): به منظور توسعه تنوع سبد نمایش و حمایت از آثار خلاقانه، سازمان سینمایی مجاز است نسبت به صدور مجوز برای «بسته‌های اکران» (شامل تجمیع حداقل ۳ اثر کوتاه یا نیمه‌بلند در یک نوبت نمایش) اقدام نماید. تبصره «۱»: این بسته‌ها در سامانه سمفا به‌عنوان یک «واحد اکران مستقل» ثبت شده و کلیه ضوابط مشابه فیلم‌های بلند برای آن‌ها اعمال خواهد شد. تبصره «۲»: با هدف تشویق سینماداران، این آثار از شمول محدودیت‌های «کف فروش» (موضوع ماده (۱۰)) معاف هستند.

مأخذ: نگارندگان.



منابع و مأخذ



[۱] ایسنا (۱۴۰۵). چند نفر در روزهای جنگ به سینما رفتند؟ قابل بازیابی در:

<https://isna.ir/xdW7Xw>

[۲] روزنامه اطلاعات (۱۴۰۵). «فروردین تلخ اکران» به روایت آمار؛ جنگ آمار فروش سینمای ایران را زیر و رو کرد! قابل بازیابی در:

<https://ettelaat.com/x3fcz>

[۳] آمار فروش و مخاطبان سینمای ایران (۱۴۰۵) سامانه مدیریت فروش و اکران سینما (سمفا).

[۴] خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۵). بیش از پنج و نیم میلیارد فروش سینما در جنگ با تاب‌آوری و شجاعت ستودنی. قابل بازیابی در:

<https://www.tasnimnews.ir/fa/news/35685501405/01/30/>

[۵] نورنیوز (۱۴۰۵). استقبال مردم از سینما در روزهای جنگ. قابل بازیابی در:

<https://nournews.ir/n/315895>

[۶] سرتیپی، علی (۱۴۰۵). «پلتفرم‌ها امروز نقش دهه ۷۰ تلویزیون را بازی می‌کنند». گفت‌وگو با روزنامه شرق.

[۷] «نظام‌نامه اکران سینما»، مصوب ۱۴۰۳/۲/۱۷ سازمان امور سینمایی و سمعی بصری.

عنوان:



DOI: <https://doi.org/10.22034/mrc.report.21889>

Permanent Link: https://report.mrc.ir/article_11955.html

Publisher: Islamic Parliament Research Center of Iran

گزیده سیاستی

دولت باید با اصلاح «نظامنامه اکران»، کمیته مدیریت بحران فرهنگی را مستقر، اکران ترکیبی و مسیر سبز آثار واکنش سریع را قانونی و صندوق تضمین اکران و یارانه هوشمند بلیت را فعال کند تا رونق و تابآوری سینما و نمایش خانگی در شرایط جنگی تضمین شود.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رویروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir